

# کارکردهای سازمان اطلاعاتی در کشورداری

مهدی میرمحمدی\*

تاریخ دریافت ۸۶/۱۲/۶ تاریخ پذیرش ۸۷/۶/۱۹

کشورداری به منزله مهم‌ترین کارکرد نظام‌های سیاسی نیازمند ابزارهای کارآمد در ابعاد مختلف است. یکی از ابزارهای سیاستمداران در قالب دولت امروزی برای ایفای نقش مطلوب خود سازمان‌های اطلاعاتی است. این مقاله بر آن است تا، علاوه بر معرفی کوتاهی از مفهوم اطلاعات و رابطه‌اش با سیاست، کارکردهای این ابزار در نظام‌های سیاسی و به طور کلی در کشورداری را بشناساند. در مقاله حاضر، پس از مروری بر کارکردها و مأموریت‌های سازمان‌های اطلاعاتی، مهم‌ترین جایگاه حضور آنان در عرصه فرایندهای سیاستگذاری نظام‌های سیاسی دانسته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** اطلاعات؛ اخبار؛ سازمان اطلاعاتی؛ سیاستگذاری؛ نظام سیاسی؛  
کارکردهای اطلاعاتی؛ مأموریت‌های اطلاعاتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران؛

E-mail: mahmir.ir@gmail.com

## مقدمه

نمی‌توان منکر شد که نقش اطلاعات در حکومت‌داری اساسی و حیاتی است. مروری بر رساله هنر جنگ سان تزو، سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک و نوشته‌های آل‌وین تافلر در دوران معاصر حاکی از آن است که اطلاعات در اقتدار حکومت و قدرت ملی در مقایسه با دیگر ملل تأثیر می‌گذارد. از این رو، بخش اعظم منابع سیاسی دانشگاهی غرب در مورد شیوه‌ها و ابزارهای حکومت‌داری در ۵۰ سال اخیر (به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم) به بررسی ابعاد مختلف تأثیر‌گذاری اطلاعات در سیاست و جایگاه آن در فرایندهای سیاسی اختصاص یافته است. تبلور رابطه سیاست و اطلاعات به‌ویژه در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی مشاهده می‌شود. سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی به شکل نهادهایی با کارکردهای خاص همواره در کانون توجه محققان، سیاستمداران، و جامعه مدنی بوده است. سیاستمداران همواره از توانمندی‌های خاص این سازمان‌ها برای افزایش قدرت ملی، آگاهی از نیت دشمن، کنترل مخالفان، و ... بهره برده‌اند و فعالان جامعه مدنی نیز با تأکید بر لزوم وجود این سازمان‌ها برای افزایش قدرت ملی، در پی آن بوده‌اند اقتدار غیرقانونی این نهادها را کاهش و نهادهای نظارتی بر این سازمان‌ها را تشکیل دهند. پژوهشگران نیز، در این میان به دلیل نقش این سازمان‌ها در ابعاد داخلی و بین‌المللی سیاست، علاقه خاصی به بررسی جایگاه این نهادها در فرایند سیاست داخلی، کارویژه‌های آنها، و سرانجام تحولات مربوط به سیاست‌های امنیتی و ساختارهای نهادی آنها دارند.

با وجود این، علی‌رغم اهمیت فراوان این بخش از مطالعات سیاسی، در منابع و مآخذ سیاسی موجود در ایران در طول پنج دهه گذشته توجه اندکی به این موضوع شده است، به گونه‌ای که حتی می‌توان ادعا کرد گاه بسیاری از دانش‌آموختگان علم سیاست در سطوح مختلف و سیاستمداران نیز آگاهی نظری و سامان‌مندی از مبانی و کارکردهای آن ندارند. این در حالی است که پژوهش‌های مربوط به این حوزه از سیاست در غرب عمری بیش از نیم قرن دارد. در این مقاله تلاش بر آن است تا مهم‌ترین موضوعات مرتبط با این بعد از مطالعات

سیاسی تشریح و کارویژه‌های نهادهای امنیتی - اطلاعاتی بررسی شود تا بدین ترتیب قدم کوچکی برای روشن شدن مفهوم اطلاعات و جایگاه آن در علم سیاست برداشته شود.

### ۱ تاریخچه فعالیت‌های اطلاعاتی

به جرئت می‌توان گفت که در هزاره سوم تحول تازه‌ای در ارتباط بین فعالیت‌های اطلاعاتی دولت‌ها و مسائل بین‌المللی به وجود نیامده است. سلاطین و دولت‌ها در طول تاریخ همواره به جمع‌آوری اخبار در مورد سرزمین‌ها و مردمان دیگر کرده‌اند تا در تصمیم‌گیری درباره آنان اشتباه نکنند. اصولاً بدون داشتن آگاهی از ابعاد گوناگون هر موضوع نمی‌توان تصمیمی درست و کامل در خصوص آن اتخاذ کرد. داشتن اخبار و اطلاعات مرتبط با موضوع در دست اقدام تأثیر بسزایی در تناسب تصمیم‌های اتخاذشده با اهداف و اوضاع موجود خواهد گذاشت.

تاریخ بشر مملو از نمونه‌هایی عینی است که او به جمع‌آوری اخبار در مورد دشمنان بالقوه و بالفعل خود کرده است، تا در مواقع مورد نیاز از آگاهی خود علیه دشمن استفاده کند. جاسوسی به قدمت تاریخ است. البته ایجاد سازمان‌های اطلاعاتی موضوع نسبتاً جدیدی است. اغلب می‌گویند «جاسوسی دومین پیشه موجود در جهان است» (Kooze, 1997, p. 21)، به کارگیری جاسوسان برای حاکمان وسیله مهمی در راه حفظ سرزمین از تهدیدات داخلی و خارجی بوده است. آنان نمی‌خواستند در برابر حوادث دست‌وپایسته باشند، بلکه بر آن بوده‌اند تا خطر را بهنگام شناسایی و با آن مقابله کنند.

در کتاب مقدس آمده است که حضرت موسی دوازده تن از افراد خود را برای جمع‌آوری اخبار و اطلاعات درباره سرزمین کنعان به آنجا گسیل کرد و به آنان گفت: «بروید و ببینید که این سرزمین چگونه است، مردمان آن قوی‌هیکل‌اند یا ضعیف ... شهرهایشان برج و باروی محکمی دارد یا از آنها به‌خوبی مراقبت می‌شود یا نمی‌شود ...»

(The New English Bible, 1970, pp. 162-165).

همچنین جاسوسان و دیده‌بانان یکی از مهم‌ترین ابزارهای بودند که پیامبر اسلام برای جمع‌آوری اطلاعات از نیروهای دشمن استفاده می‌کرد.

در جنگ بدر رسول خدا (ص) یکی از افراد خود به نام «بسیه» را برای جاسوسی به مأموریتی فرستاد و از او خواست که کاروان و قافلهٔ ابوسفیان را زیر نظر داشته باشد و ببیند قصد و هدف آنان چیست (دعموش عاملی، ۱۳۷۹، ص ۴).

حدود هزار سال بعد نیز واقعهٔ تاریخی دیگری بر نقش اطلاعات در تاریخ دوباره تأکید کرد. سلاطین امپراتوری عثمانی از طریق عوامل خود دریافتند که در کارخانه‌های پودرسازی و نیز مقدار معتابهی مواد شیمیایی انفجارپذیر وجود دارد که در صورت انفجار می‌تواند به نابودی ناوگان جنگی و نیز منجر شود. بدین ترتیب، تصمیم گرفتند که با منفجر کردن این کارخانه‌ها ناوگان و نیز را نابود کنند و پس از ضعیف شدن و نیز به آنان اولتیماتوم دهند (Fuller, 1995, p. 560).

خواجه نظام‌الملک نیز در *سیاست‌نامه* بر نقش فعالیت‌های اطلاعاتی در کشورداری تأکید می‌کند. او بر این اعتقاد است که «باید همیشه به همهٔ اطراف جاسوسان بروند ... تا هیچ‌گونه از احوال خبری پوشیده نمایند [بر پادشاه] و اگر چیزی حادث گردد و تازه شود، به وقت خویش تدارک کرده آید» (نظام‌الملک، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵). او در جای دیگر نیز می‌گوید: «واجب است بر پادشاهان از احوال رعیت و لشکر و دور و نزدیک خویش بر رسیدن و اندک و بسیار، آنچه رود بدانستن. اگر نه چنین کند ... بر غفلت و ستمکاری حمل کنند و گویند: فساد و درازدستی که در مملکت می‌رود، یا پادشاه می‌داند، یا نمی‌داند، اگر می‌داند و کاری نمی‌کند آن است که ایشان نیز ظالم است، اگر نمی‌داند بس غافل است و کم‌دان» (همان، ص ۱۱۸) و نتیجه می‌گیرد که پادشاه بیدار و آگاه از امور عدل و آبادانی می‌آورد و توصیه می‌کند که پادشاه باید با گماردن کارآگاهان و مخبران از تمام امور مملکت مطلع شود تا از بی‌عدالتی و بی‌نظمی در امور آگاه شود و به مقابلهٔ با آن بپردازد. از نظر نظام‌الملک به کارگیری جاسوسان و مخبران موجب آگاهی پادشاه از

دشمنان بیگانه و نیات آنان و همچنین از امور داخلی کشور می‌شود و از این روی می‌تواند ابزاری مناسب برای کشورداری باشد.

این نمونه‌ها و مثال‌هایی از این دست به‌خوبی نقش و جایگاه اطلاعات در تحولات بین‌المللی تاریخی را نشان می‌دهند. البته شواهد بسیار بیشتری در مورد اطلاعات و کارکردهای آن در تحولات بین‌المللی نزدیک‌تر وجود دارد که در این قسمت به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

حمله ژاپن به بندر پرل<sup>۱</sup> آمریکا در دسامبر سال ۱۹۴۱ و بی‌اطلاعی امریکاییان از این حمله یکی از آشناترین شواهدی است که به‌خوبی نشان‌دهنده جایگاه اطلاعات در تحولات بین‌المللی است. تحقیقات بعدی در خصوص این حادثه حاکی از آن است، که در زمان حمله ژاپن، بسیاری از بخش‌های نظامی و غیرنظامی اطلاعات پراکنده بسیاری درباره اهداف ژاپن در اختیار داشتند که اگر یکپارچه و تحلیل می‌شد، امکان پیش‌بینی حمله ژاپن به بندر پرل آسان بود. این حادثه، در حقیقت، نشان‌دهنده تأثیر منفی نبود یک سازمان اطلاعاتی توانمند در تصمیم‌گیری‌های ملی یک کشور است. این حادثه اولین و مهم‌ترین دلیل تشکیل ساختار اطلاعات ملی در ایالات متحده بر اساس قانون امنیت ملی سال ۱۹۴۷ بوده است.

بحران موشکی کوبا و نقش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در تشخیص به‌موقع تحرکات شوروی و اطلاع‌رسانی به مقامات تصمیم‌گیر امریکایی یکی دیگر از کارکردهای سازمان‌های اطلاعاتی در دوران جنگ سرد است. بسیاری از تحلیلگران سیاست بین‌الملل معتقدند اگر سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا به‌نگام به رئیس‌جمهور کنده اطلاع نمی‌دادند، عواقب و پیامدهای بحران موشکی کوبا پیش‌بینی‌ناپذیر بود و امریکاییان نمی‌توانستند آن را اداره کنند (Blight & Welch, 1998, p. 28).

این مثال‌ها در مورد کارکرد اطلاعات نشان‌دهنده نقش اطلاعات به مثابه یکی از

ابزارهای سیاستگذاری و تصمیم‌گیری است. امروزه لزوم کسب اطلاعات و اخبار جامع و دقیق از دولت‌ها و ملل دیگر جهان اصل پذیرفته‌شده‌ای برای سیاستمداران و نظامیان کشورها تلقی می‌شود. البته باید خاطر نشان کرد که نیازهای اطلاعاتی کشورهای مختلف بر اساس سطح قدرت ملی آنان متفاوت است. مثلاً، نیازهای اطلاعاتی کشوری ابرقدرت، با توجه به گستردگی حوزه منافع ملی چنین کشوری در مناطق مختلف دنیا، بسیار بیشتر از نیازمندی‌های اطلاعاتی قدرتی متوسط یا قدرتی ضعیف است.

در دولت‌های جهان امروز ساختار اطلاعاتی قدرتمند واقعیتی انکارناپذیر است. در دنیای امروز، آینده هر ملتی متأثر از اتخاذ راهبردهای دقیق و صحیح اقتصادی، سیاسی، امنیتی، و دفاعی است و باید در نظر داشت که هیچ یک از این راهبردها بدون بهره‌برداری دقیق و جامع اطلاعات در مورد نظام بین‌الملل و بازیگران آن میسر نمی‌شود.

اولین سازمان اطلاعاتی در سال ۱۹۰۹ در بریتانیا تأسیس شد. بیشتر کارکنان این سازمان دولتی غیرنظامی و مأمور بودند اسرار دیگر کشورها را برابیند و اسرار مخفی کشور خود را حفظ کنند. دیگر کشورها نیز بلافاصله از بریتانیا پیروی کردند و سازمان‌های مخفی در آنها شکل گرفت. آلمان در سال ۱۹۱۳، روسیه در سال ۱۹۱۷، فرانسه در سال ۱۹۳۵، و آمریکا در سال ۱۹۴۷ سازمان‌های اطلاعاتی خود را تشکیل دادند. امروزه حتی کشورهای جهان سوم نیز قبول ندارند ارکان حکومتشان کامل است مگر آنکه سازمان مخفی خود را به وجود آورند. اکنون حرفه اطلاعات یکی از رو به رشدترین صنایع قرن بیستم شده است. سرعت رشد این حرفه به درجه‌ای رسیده است که از اختیار خارج شده است (Knightley, 1987, p. 22).

## ۲ اطلاعات چیست؟

«تمام کوشش‌ها برای ارائه نظریه‌های بلندپروازانه در اطلاعات بی‌نتیجه مانده است» (والتر لاکوئر،<sup>۱</sup> <http://www.odci.gov/csi/studies/vol46no3/article 02.html>).

شاید بارها از خود پرسیده باشید که «اطلاعات» چیست؟ مطمئناً هر روز نیز چندین مرتبه این لغت را در رسانه‌ها، سخنرانی‌های علمی و افواه عامه شنیده و درباره آن اظهار نظر کرده‌اید. «اطلاعات» در ساده‌ترین معنی عبارت است از هر نوع خبر، اطلاع، و گزارشی که ما از موضوع خاصی به دست می‌آوریم. این برداشت به شدت به برداشت‌های روزنامه‌نگاری از مفهوم «اطلاعات» نزدیک است. از طرف دیگر، هریک از کارشناسان رشته‌های مدیریت، ارتباطات، رایانه، و نظایر آن در مورد مفهوم این واژه نظرهای دیدگاه‌های خود را دارند. در داستان‌های پلیسی، و نزد عموم مردم نیز، «اطلاعات» اغلب با جاسوسی و دوز و کلک، تزویرها، و ماجراجویی‌های جیمز باند، جاسوس معروف فیلم‌های سینمایی، مترادف بوده است. اطلاعات در مفهوم سیاسی خود جزئی از هنر کشورداری است که بر نیاز جامعه سیاسی متحدی برای برخوردار از آگاهی و دانش یا «اطلاعات» مربوط به دیگر جوامع حاضر در محیط متمرکز است.

در ابتدای بحث لازم است به نکته‌ای اشاره کنم که بیشتر نویسندگان و تحلیلگران حوزه «اطلاعات» به آن معترف‌اند. انسان امیدوار است در فعالیتی به قدمت خود تاریخ، شناخت کاملی از ماهیت آن وجود داشته باشد. اما وقتی این فعالیت اطلاعات باشد، چنین امیدی بیهوده است. به قول والتر لاکوثر، یکی از مورخان معاصر، تاکنون هیچ کس موفق نشده است نظریه‌ای درباره اطلاعات ارائه دهد. در حقیقت، حتی اکنون هم هنوز هیچ تعریف پذیرفته‌ای از اطلاعات نداریم. این مفهوم را هر کسی که آن را بررسی می‌کند نوع متفاوتی تعریف می‌کند. بوزمان این ابهام را ناشی از وجود طرق مختلف فکری و جهت‌گیری به دانش در مناطق مختلف جهان و تنوع فرهنگ‌ها، نظام‌های اخلاقی، و رژیم‌های سیاسی می‌داند (بوزمان، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

این مقاله به دنبال بررسی نقش اطلاعات در نظام‌های سیاسی است. اما اولین پرسش این است که بدون در دست داشتن تعریفی از اطلاعات چگونه می‌توان درباره نحوه کار و تحولاتش اظهار نظر کرد؟

اصطلاح «اطلاعات» برای هر کس مفهوم خاصی دارد؛ بنابراین، لازم است برای روشن شدن معنی این اصطلاح در این مقاله به بررسی معانی مختلف این واژه بپردازیم.

با توجه به اینکه پژوهش‌ها و مطالعات مربوط به «اطلاعات» — همانند بسیاری از مفاهیم مطرح در علوم انسانی (به‌ویژه در حوزه علوم اجتماعی و سیاست) — از اندیشمندان و تحلیلگران امریکایی متأثر بوده است، بررسی مفهوم اصطلاح «اطلاعات» را با طرح نظریات این اندیشمندان آغاز می‌کنیم. هنگام بحث درباره این نظریات آشکارا به تشتت آرا و دیدگاه‌های مختلف در این حوزه برمی‌خوریم. یکی از علل این تشتت آرا تفاوت افق فکری متفکران و نیز نگاه خاص معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی ایشان است.

بر اساس دولت‌محور بودن یا نبودن تعریف اطلاعات، می‌توان دو نگرش کلی را از هم تمیز داد. برخی از نویسندگان اطلاعات را، در نظر و عمل، بر اساس نیازهای دولت تعریف می‌کنند. این نگرش را می‌توان «نگرش سنتی» به اطلاعات نامید. آبرام شولسکی<sup>۱</sup> و شرمن کنت<sup>۲</sup> دو تن از برجسته‌ترین نمایندگان این نگرش‌اند.

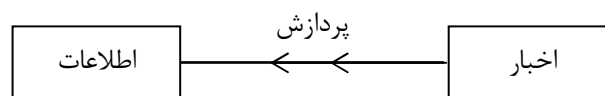
نگرش دیگری در مورد تعریف اطلاعات وجود دارد که در تحولات پس از جنگ سرد، انقلاب‌های علمی، تغییرات افکار عمومی، و تا حدودی نیز مباحث معرفت‌شناختی ریشه دارد. در این نگرش، با اشاره به تضعیف نقش و جایگاه دولت در نقش تنها بازیگر تحولات بین‌المللی و ظهور بازیگران جدید در این عرصه، ادعا می‌شود که حوزه مطالعات اطلاعاتی گسترده‌تر شده است و علاوه بر دولت‌ها به بازیگران دیگری نیز تسری یافته است. این نگرش را می‌توان «نگاهی نو» به اطلاعات خواند. این نگرش — برخلاف نگرش سنتی که اطلاعات را صرفاً متغیری وابسته به دولت معرفی می‌کند — اطلاعات را متغیری وابسته به چندین متغیر دیگر، از جمله دولت، تعریف می‌کند. بدین ترتیب، در این بخش در قالب دو نگرش سنتی و نو به بررسی برداشت‌های مختلف از «اطلاعات» و ویژگی‌های

---

1. Abram Shulsky  
2. Sherman Kent



آن می‌پردازیم. اما قبل از آن، شاید لازم باشد در چند جمله کوتاه تفاوت میان «اطلاعات» و «اخبار»<sup>۱</sup> (که در افواه عامه از آن هم به اطلاعات یاد می‌شود) بیان شود. «اخبار» هر ماده خام مربوط به توصیف پردازش نشده‌ای است که می‌توان از آن در تولید اطلاعات استفاده کرد. در نمودار زیر نحوه پردازش اطلاعات از اخبار نشان داده شده است. اخبار اساساً داده خام است. به عبارت دیگر، «اطلاعات» محصولی است که از پردازش اخبار خام حاصل می‌شود (www.intbranch.org/...).



#### ۲-۱ نگرش سنتی به اطلاعات

از آنجا که معمولاً منابع و مآخذ سنتی در حوزه‌های مختلف دانش بشر اولویت تاریخی دارند، ما نیز ابتدا به بررسی نظریات سنتی می‌پردازیم. در آغاز، درباره نظریات دو تن از برجسته‌ترین نویسندگان حوزه اطلاعات ایالات متحده بحث می‌کنیم که تأثیر ماندگاری در منابع و مآخذ اطلاعاتی در جهان بر جای گذاشته‌اند. آثار شرمین کنت<sup>۲</sup> و آبرام شولسکی به ترتیب در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۹۱ مهم‌ترین آثار علمی در حوزه اطلاعات را در اختیار پژوهشگران قرار داد. از اصطلاح اطلاعات در زبان فارسی در بسیاری از حوزه‌های اطلاع‌رسانی، ارتباطات، خبرنگاری، روزنامه‌نگاری، فناوری، و ... استفاده می‌شود. این موارد به حوزه‌های غیرامنیتی و عام اطلاعات می‌پردازد.

#### 1. information

۲. شرمین کنت از مأموران اطلاعاتی سابق ایالات متحده و از اولین مدیران سازمان سیا در اوایل تشکیل آن بود. نظریات وی در کتاب زیر آمده است:

Kent, Sherman (1949), *Strategic Intelligence for American World Policy*, Princeton University Press, N.J., Princeton.

آبرام شولسکی در کتاب *نبرد خاموش: درک جهان اطلاعات* با اشاره به مفاهیم عام اطلاعات (ارتباطات، خبرنگاری، و ...)، مفهوم اطلاعات را بسیار گسترده‌تر از آنها می‌داند. او می‌گوید: «برای درک مفهوم اطلاعات ابتدا باید به پدیده‌هایی که اصطلاح «اطلاعات» به آنها اطلاق می‌شود نگاه کنیم. این پدیده‌ها انواع خاصی از اخبار، فعالیت‌ها و سازمان‌ها را در بر می‌گیرند» (Shulsky, 1991, p. 10).

از نظر شولسکی، اطلاعات به اخباری اطلاق می‌شود که با تدوین و اجرای سیاست کشورها برای تأمین منافع امنیتی و مقابله با تهدیدات حریفان بالفعل یا بالقوه نسبت به آن منافع سروکار دارد (*Ibid.*).

شولسکی همچنین برآوردها و تحلیل‌های مبتنی بر اخبار جمع‌آوری شده از روش‌های جاسوسی و روش‌های دیگر (با توجه به نیازمندی‌های دولت‌ها) را نیز بخشی از مفهوم اطلاعات می‌داند و آن را خروجی یا محصول اطلاعاتی می‌نامد. او مجموعه فعالیت‌های جمع‌آوری و بررسی خبرهای اطلاعاتی (اخبار مربوط به سیاست امنیت ملی دولت‌ها) را هم در مفهوم اطلاعات قرار می‌دهد.

سومین و آخرین مفهوم اصطلاح اطلاعات از نظر شولسکی سازمان‌هایی‌اند که فعالیت‌های دو مفهوم قبلی را انجام می‌دهند. از نظر شولسکی، مهم‌ترین ویژگی این سازمان‌ها پنهانکاری است و این ویژگی، علاوه بر اینکه مشخصه ذاتی وظایف این سازمان‌هاست، باعث می‌شود در برخی از مواقع مسئولیت انجام دادن اقدامات پنهان برای پیشبرد سریع‌تر اهداف سیاست خارجی دولت‌ها نیز به این سازمان‌ها محول گردد. عنصر پنهان بودن صفت ذاتی (یا حداقل از ضروریات) اطلاعات است. به عبارت دیگر، صفت مفهوم سه‌وجهی اطلاعات از نظر شولسکی «پنهان بودن» است.

شولسکی در این تعاریف اطلاعات را به صورت متغیری وابسته به دولت در نقش بازیگر اصلی عرصه فعالیت‌های اطلاعاتی توصیف کرده است. از نظر او، فقط اخبار مورد نظر دولت‌ها و کشورها (در ابعاد امنیتی، اقتصادی، و ...) را می‌توان «اطلاعات» خواند.

همچنین فقط فعالیت‌ها و اقدامات دولت‌ها در خصوص گردآوری و بررسی اخبار اطلاعات تلقی می‌شود و اقدامات اشخاص و شرکت‌های خصوصی از نظر او در این تعریف جایی ندارد.

این تقسیم‌بندی را برای اولین بار شرمین کنت در سال ۱۹۴۹ بیان کرد. شرمین کنت اطلاعات را به سه بخش عمده - یعنی «دانش»، «سازمان»، و «فعالیت» تقسیم کرد و با این کار پایه‌ریزی جدیدی را ایجاد کرد. او اولین صاحب‌نظری بود که به اطلاعات ساختار و مضمون علمی داد.

بر اساس نظریات کنت، «اطلاعات» شامل تمام اخباری است که برای هدایت سیاست خارجی لازم است (Godson, May, & Schmitt, 1995, p. 20). در این دیدگاه، تمامی اخباری که از سطح جهان جمع‌آوری و در اختیار سیاستگذاران قرار می‌گیرد اطلاعات محسوب می‌شود. از آنجا که اطلاعات هم از منابع آشکار و هم از منابع پنهان تهیه می‌شود و از آنجا که در دیدگاه امریکایی همه موضوعات مرتبط به سیاست خارجی، اعم از موافقت‌نامه‌های تجاری، موضوعات محیط زیست و به طور کلی آنچه به تهدیدات امنیتی مربوط شود، در حیطه نیازمندی‌های سیاستگذاران است، بنابراین این تعریف بسیار گسترده‌تر از دیدگاه شولسکی است.

شولسکی، تحت تأثیر نظریات و نوشته‌های سن تزو، استراتژیست چینی، اطلاعات را در فضایی نظامی و مربوط به امنیت ملی دولت‌ها تعریف می‌کند و به عبارت دیگر آن را دانشی درباره دشمن و حریف می‌داند. در حقیقت، این دیدگاه هسته اصلی اطلاعات را جنگ پنهان و خاموش ملت‌ها می‌داند.

مهم‌ترین اصل این دیدگاه آن است که «دولت» در نقش مهم‌ترین بازیگر نظام بین‌المللی برای مقابله با بحران‌ها و تعامل مناسب با دیگر بازیگران (دولت‌ها) نیاز به تصمیم‌گیری و سیاستگذاری دارد. تصمیم‌گیری نیز ضرورتاً نیازمند اطلاع و آگاهی از امور مربوط به موضوع تصمیم است و از آنجا که اخبار و آگاهی‌های مورد نیاز از یک

موضوع (مثلاً، سیاست یک کشور در قبال یک معاهده) معمولاً تحت حفاظت و مراقبت شدید دولت‌ها قرار دارند و به آسانی به دست نمی‌آیند، هر دولتی، بر اساس نیاز خود به آگاهی و اطلاع، دست به فعالیت‌هایی برای کسب اخبار و آگاهی‌های ضروری خود برای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری می‌زند.

شرمن کنت در کتاب خود به این موضوع اشاره می‌کند. او دولت را مهم‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده اطلاعات می‌داند (Kent, *ibid.*, pp. 10-15). البته از نظر او، نهاد تولیدکننده اطلاعات در دولت سازمان اطلاعاتی است و مصرف‌کنندگان آن نیز سیاستمداران و دولتمردان و گاهی محققان و پژوهشگران‌اند (Ibid., pp. 180-206). به طور کلی، باید گفت که در نگرش سنتی به اطلاعات، با فرض دولت در نقش تنها یا مهم‌ترین بازیگر عرصه بین‌المللی، اطلاعات و تمام مسائل مربوط به آن اموری دولتی محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup> به دلیل اینکه طرفداران این نگرش اعتقادی به تأثیر بازیگران دیگری غیر از دولت‌ها ندارند، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مهم اطلاعات نیز دولت‌ها به شمار می‌آیند.

در این نگرش، هدف از تولید اطلاعات برآوردن نیازهای امنیتی و استراتژیک دولت است. به عبارت دیگر، «اطلاعات» فعالیتی دولتی است که از طریق جمع‌آوری پنهان و پردازش اخبار مربوط به کشورهای خارجی ... حمایت از سیاست خارجی و امنیتی کشور را برعهده دارد (Random, 1958, p. 76).

در جمع‌بندی از نگرش سنتی نسبت به مفهوم اطلاعات می‌توان گفت که در این نگرش اصطلاح اطلاعات سه معنا دارد:

۱. اطلاعات به معنای نوع خاصی از اخبار (خبرهای مربوط به نیازمندی‌های امنیتی دولت و محصولات اطلاعاتی): مشخصه مهم این معنا نیازمندی‌های دولت‌ها و پرورش یافته بودن اخبار عادی است. در این رویکرد، «اطلاعات» فقط به اخبار و داده‌هایی اطلاق

۱. به نظر می‌رسد که نگرش سنتی به «اطلاعات» تحت تأثیر برداشت واقع‌گرایانه از نظام بین‌الملل باشد.

می‌شود که طی فرایند بررسی و تحلیل، پردازش شده باشند. بنابراین، اطلاعات را باید از اخبار و داده‌های خام تفکیک کرد.

۲. اطلاعات به معنای نوع خاصی از فعالیت: در این برداشت از اطلاعات بر ویژگی‌های فعالیت اطلاعاتی تأکید می‌شود. از نظر شولسکی، مهم‌ترین ویژگی این نوع فعالیت پنهانکاری است.

پنهانکاری مفهوم اصلی اطلاعات است. اطلاعات فعالیتی دولتی است که از طریق گردآوری پنهان اخبار مربوط به کشورهای خارجی و همچنین مبادرت به اجرای اقدامات پنهانی در خارج از حوزه حاکمیت کشور خودی، اقدام به حمایت از سیاست خارجی می‌کند. ۳. اطلاعات به معنای سازمان اطلاعاتی: در این بخش، منظور از اطلاعات مصداق‌های ساختاری، نهادی، و سازمان‌هایی‌اند که با هدف کسب، پردازش، و تولید اطلاعات تأسیس شده‌اند و بخشی از نظام اداری دولت‌اند.

البته، باید خاطر نشان کرد نگرشی را که در قالب مطالب بالا بررسی شد نویسندگان و تحلیلگران دیگری نیز دنبال کرده‌اند. افرادی نظیر والتر لاکوئر، توماس تروی، جنیفر سیمز، مایکل وارنر، و دیگران مقالات و آثار معتناهی منتشر کرده‌اند (برای اطلاع از دیگر آثار موجود درباره اطلاعات، نک. سایت‌های: [www.ilna.com](http://www.ilna.com); [www.odci.gov/index.html](http://www.odci.gov/index.html)) اما باید گفت که نوشته‌های این پژوهشگران بیش از آنکه نظریه‌پردازی در حوزه اطلاعات باشد، نوعی توصیف و تحلیل نظریات شرمین کنت و ابرام شولسکی است. همچنین، باید افزود که هرچند نوشته‌های کنت و شولسکی هر دو در قالب دیدگاه دولت‌محور بررسی شده، نظریات آنان تفاوت‌هایی با هم دارند. یکی از این تفاوت‌ها پنهانکاری در اطلاعات است. البته هر دو نویسنده بر وجود پنهانکاری به مثابه یکی از صفات اطلاعات تأکید دارند، اما میزان غلظت پنهانکاری در نوشته‌های آنان متفاوت است.

کنت معتقد بود، با پیشرفت فناوری و علم، فعالیت‌های اطلاعاتی دیگر از حالت مخفی و اسرار آمیزش خارج شده و باید به آن همانند یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی نگریست. اما

شولسکی در مقدمه کتاب خود می‌گوید: به نظر من کار اطلاعات اساساً یافتن اسرار و حفاظت از آن است و در آینده نیز همین خواهد بود ... مهم‌تر از همه اینکه پنهانکاری را اساس فعالیت‌های اطلاعاتی می‌دانم و ضرورتی نمی‌بینم که جزئیات فعالیت‌های اطلاعاتی سازمان‌های اطلاعاتی امریکا (یا دیگر کشورها) در حیطه عموم پخش شود (Shulsky, *ibid.*, p. 3).

نوشته‌های کنت و دیگر نویسندگان همفکر او، مانند بوزمان،<sup>۱</sup> به شدت تحت تأثیر مکتب رفتارگرایی و پیشرفت‌های علوم اجتماعی دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ در غرب بود. او تحقیقات را تنها شیوه‌ای می‌داند که تمدن غرب می‌تواند از آن به عنوان منبع قابل اطمینان اطلاعات استفاده کند. این نگرش تحت تأثیر مباحثی است که در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ در علوم اجتماعی رایج بود: اعتقاد به اینکه روش جدید علوم اجتماعی به درک علمی‌تر رفتار انسانی خواهد انجامید. بر این اساس، علوم اجتماعی طبق الگوی علوم فیزیکی توسعه می‌یابد و علوم اجتماعی همچنان که در علوم فیزیکی مرسوم است، توانایی توضیح و پیش‌بینی حوادث را به دست می‌آورد (Godson, May, Schmitt, *ibid.*, p. 21). ویلیام کلبی نیز تحت تأثیر کنت، اطلاعات را علم اجتماعی جهانی‌ای می‌داند که قادر است تمام روش‌شناسی خود را به کار بندد تا نتایج علمی مطمئنی را به بار آورد.

در اواخر دهه ۱۹۵۰، این عقیده گسترش یافت که اطلاعات باید بر اساس نظریه‌های محکمی بنا شود. کسانی که به تحقیق در نظریه‌های علمی اطلاعات علاقه‌مند بودند خاطرنشان می‌کردند که پس از جنگ جهانی دوم شیوه‌های کار اطلاعاتی به شدت پیچیده شده‌اند. شکاف عمیقی بین شیوه‌های سنتی و علمی جمع‌آوری اطلاعات ایجاد شده است. آنان با اشاره به موفقیت‌های علوم اجتماعی، تحت تأثیر مکتب رفتارگرایی در پیش‌بینی آینده، نادیده انگاشتن روش‌های علمی را موجب کاهش کیفیت اطلاعات و ناتوانی آن در

۱. بوزمان در مقدمه کتاب خود، *اطلاعات استراتژیک و کشورداری*، با اشاره به اینکه او مانند کنت معتقد است اطلاعات وجهی ناگزیر از کشورداری است، عملاً می‌گوید که اطلاعات موضوعی وابسته به دولت است. برای اطلاعات بیشتر نک. بوزمان، ۱۳۸۲.

پیش‌بینی می‌دانستند. و ادعا می‌کردند که دیگر با روش‌های غیرعلمی قدیمی نمی‌توان حوادث را تفسیر کرد و پیش‌بینی نیز از این امر مستثنی نیست (Laqueur, 1991, p. 442). آنها در پیروی از مکتب رفتارگرایی تا آنجا پیش رفتند که از روش‌های علوم دقیقه و زیست‌شناسی نیز در تحلیل اطلاعات استفاده کردند. مثلاً، می‌توان به کتاب *روان‌شناسی تحلیل اطلاعات*<sup>۱</sup> نوشته ریچاردز هوور اشاره کرد. هوور ۴۵ سال برای سازمان اطلاعات مرکزی امریکا فعالیت کرده است. او در این کتاب ارتباط میان روان‌شناسی و تحلیل اطلاعات را بررسی کرده است. این کتاب به این موضوع اختصاص یافته است که چگونه می‌توان از پردازش اطلاعات برای قضاوت در مورد مسائل خاص استفاده کرد (هوور، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

بدین ترتیب، هنگامی که روش علمی پژوهش و تحقیق یکی از اصول فعالیت اطلاعاتی محسوب می‌شود، بررسی و تحلیل داده‌ها و اخبار گردآوری شده (چه آشکار و چه پنهان) توسط تحلیلگران سازمان اطلاعاتی، در کانون فعالیت اطلاعاتی قرار می‌گیرد. مطابق این دیدگاه، فعالیت اطلاعاتی از حالت مخفی و اسرارآمیز خارج شده است و بیشتر شبیه شاخه‌ای از علوم اجتماعی شده که در پی درک و نهایتاً پیش‌بینی انواع مسائل سیاسی، اجتماعی، و نظامی است (Berkowitz and Goodman, 1989, pp. 4-5).

دیدگاه شرم‌کننده درباره اطلاعات به طور خلاصه مشخصه‌های زیر را دارد:

۱. صفت پنهان فعالیت اطلاعاتی که در دیدگاه شولسکی به شدت اهمیت داشت، در این دیدگاه تعدیل شده و منابع آشکار اخبار نیز در حیطه اطلاعات قرار گرفته است و غیر از افراد اطلاعاتی، دانشمندان و تحلیلگران متخصص در حوزه‌های دیگر مانند علوم دقیقه نیز می‌توانند در این حوزه فعالیت کنند.

۲. در حالی که در نظر شولسکی و طرفداران وی هسته اصلی فعالیت اطلاعاتی اقدام پنهان، فریب، و جاسوسی است، در دیدگاه جدید «بررسی» و تحلیل در کانون اطلاعات قرار دارد.

---

۱. ریچاردز جی. هوور (۱۳۸۰)، *روان‌شناسی تحلیل اطلاعات*، ترجمه جواد علاقبندی راد، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

## ۲-۲ نگرش نو به اطلاعات

دومین نگرش غالب درباره ماهیت «اطلاعات» محصول تحولات نظام بین‌الملل و انقلاب در فناوری ارتباطی و دیگر حوزه‌های دانش بشر است. این نگرش اغلب به صورت پراکنده پس از جنگ جهانی دوم<sup>۱</sup> و به‌ویژه از سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ در نوشته‌ها و دیدگاه‌های متخصصان امنیتی بروز و ظهور یافت. بسیاری از این نوشته‌ها نگاهی اصلاحی و انتقادی به رویکردهای سنتی و رایج از «اطلاعات» دارند. نویسندگان و طرفداران این نگرش — با اشاره به تغییر ویژگی‌های عوامل مؤثر در کارکرد و ماهیت «اطلاعات» مانند تهدیدات امنیتی جدید دولت‌ها، ظهور بازیگران امنیتی جدید نظیر «سازمان‌های غیردولتی»<sup>۲</sup>، بازیگران بدون حکومت<sup>۳</sup>، سازمان‌های تروریستی و شرکت‌های چندملیتی، همچنین پیشرفت فناوری، انقلاب در ارتباطات و شکل‌گیری افکار عمومی مخالف پنهانکاری — معتقدند که اصلاح برداشت‌های سنتی از «اطلاعات» برای متناسب کردن آن با ویژگی‌های جدید محیط پیرامون دولت‌ها (که مهم‌ترین مشخصه‌اش جهانی شدن است) امری ضروری است.

نویسندگان این دسته معتقدند: بیشتر اتفاقاتی که پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد در روابط بین‌الملل رخ داده، به طور مستقیم بر استراتژی امنیت ملی کشورها تأثیر گذاشته و، بدین ترتیب، برنامه‌ریزی اطلاعاتی آنان را نیز تغییر داده است. امروزه نظام‌های حکومتی کشورها با کاهش قدرت دولت‌ها همراه شده‌اند و در دنیای پس از جنگ سرد بازیگران غیردولتی نیز اقتدار فراوانی یافته‌اند. بیشتر موضوعات مورد مناقشه در دنیای دوقطبی جنگ سرد مسائلی بین‌دولتی بود (که بیشتر آنها ماهیتی نظامی-امنیتی داشتند). نظام بین‌الملل در سال‌های بعد از جنگ سرد، علاوه بر چالش‌های امنیتی، با مسائل

۱. در سال ۱۹۴۹ پس از انتشار کتاب شرمین کنت، نویسنده‌ای به نام ویلمور کندل، یکی از محافظه‌کاران امریکایی، با

نگارش مقاله‌ای در نقد کتاب کنت، اولین ریشه‌های تفکر تازه را در اطلاعات پایه‌گذاری کرد. نک.

Willmoore Kendall, "The Function of Intelligence: A Review of Strategic Intelligence", *World Politics* (Vol. 1, No. 4, July 1949).

2. Non Governmental Organization (N.G.O)

3. Non State Actors



اقتصادی و تجاری نیز مواجه شده است. همچنین، علاوه بر نقش دولت‌ها در تحولات نظام بین‌الملل، بازیگران دیگری مانند افراد، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی، و ... نیز در تحولات بین‌المللی مؤثر بوده‌اند.

از سوی دیگر، در آثار مربوط به این نگرش بر این نکته تأکید می‌شود که «امروزه سیر فزاینده و شتابان بهره‌گیری از فناوری‌های تازه اطلاعاتی و ارتباطی (انقلاب ارتباطات) تمام شئون زندگی اجتماعی بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پدیده اینترنت، علی‌رغم نوظهور بودن، با اقبال گسترده مردم جهان مواجه شده است. سه ویژگی سرعت، دقت، و کم‌هزینه بودن اینترنت باعث شده است که سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات دولتی، و بخش خصوصی برای انجام دادن فعالیت‌های خود از این فناوری استفاده کنند» (Boni & Kovacich, 2000, pp. 1-15).

به موازات افزایش ابعاد خدمات‌رسانی اینترنت در حوزه‌های مختلف زندگی بشر، و به‌ویژه در امور تجاری و بازرگانی، حجم تهدیدات و آسیب‌های ناشی از این فناوری توسط مهاجمان رایانه‌ای و نیز سارقان و جاسوسان اطلاعاتی به شدت افزایش یافته است. این تهدیدات امروزه، علاوه بر اینکه روز به روز گسترش می‌یابد و پیچیده‌تر می‌شود، امنیت ملی کشورها و دولت‌ها را مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین باید گفت که سازمان‌های اطلاعاتی اینک با وضعیت جدیدی روبه‌رو شده‌اند که با آنچه تاکنون وجود داشته کاملاً متفاوت است و فناوری‌های جدید به‌ویژه اینترنت در ایجاد وضعیت جدید تأثیر بسزایی داشته‌اند.

بروس برکوویتس و آلن گودمن در مقدمه کتاب خود می‌گویند: انقلاب اطلاع‌رسانی در حال شکل دادن تمام ابعاد اقتصاد و سیاست جهان است. بنابراین، چندان تعجبی ندارد که سازمان‌های اطلاعاتی (که به نوعی با جمع‌آوری، تحلیل، و توزیع اطلاعات سروکار دارند) خود را در مرکز این انقلاب ببینند (Berkowitz & Goodman, p. 68). آنان معتقدند که فرضیات و نگرش‌هایی که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا (و بیشتر سازمان‌های اطلاعاتی دنیا)

بر اساس آن سازمان یافته‌اند و عمل می‌کنند آثار و یادگارهایی از دوران گذشته‌اند (Ibid). تحولات اخیر در عرصه فناوری اطلاعات بسیار عظیم و شگرف بوده است، بدون شک این تحولات بر «اطلاعات» تأثیرگذار است و متخصصان اطلاعات باید آن را درک کنند. اگر برخی از تحولات فناوری و خدمات اطلاع‌رسانی را که در طول دو دهه گذشته فراهم آمده در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که قدرت تأثیرگذاری این موضوعات در امور «اطلاعات» چقدر شگرف بوده است. همان‌طور که در ادامه بحث روشن خواهد شد، بسیاری از فرضیات قدیمی دیگر کاربردی در اطلاعات ندارند. در شکل گرفتن این نگرش جدید به اطلاعات سه عامل اهمیت خاصی دارند:

- عامل اول تحولات به وجود آمده در خصوص مسائلی است که «اطلاعات» باید آنها را پوشش بدهد. برخی از این موضوعات به مسائل سیاسی، نظامی، یا اقتصادی مربوط است. اطلاعات به طور سنتی نیز این مسائل را پوشش می‌داد، اما در وضعیت امروز باید با رویکردی جدید به آنها بنگرد. بسیاری از موضوعات مورد نظر کنونی اطلاعات کاملاً متفاوت با موضوعاتی است که قبلاً به آنها می‌پرداخت. مواردی مانند محیط زیست جهان، جمعیت دنیا، مواد مخدر، و ... از این مسائل اند.
- عامل دوم شامل تحولات علمی در عرصه‌های مختلف، به خصوص انقلاب خبری، است. هیچ یک از عرصه‌های اجتماعی یا اقتصادی به سرعت عرصه اطلاعاتی و خبری در حال تغییر نیستند و «اطلاعات» نیز به شدت متأثر از این دگرگونی‌هاست. انقلاب ارتباطات یا تسریع جریان انتقال اطلاعات و امکان فراوان جستجوی اخبار و اطلاعات در موضوعات گوناگون و ایجاد «فضای مجازی»، علاوه بر فراهم کردن فرصت‌هایی برای سازمان‌های اطلاعاتی برای انجام دادن مأموریت‌های خود، نحوه انجام گرفتن فعالیت‌های اطلاعاتی را به شدت دگرگون کرده است.
- عامل سوم شکل‌گیری نگرش‌های جدید نزد افکار عمومی و نخبگان سیاسی و اجرایی کشورها در خصوص «اطلاعات» و جایگاه آن در نظام سیاسی است. این تحولات

اهمیت خاصی دارند، زیرا جامعه اطلاعاتی در خلأ کار نمی‌کند و برای بودجه خود به شدت به پشتیبانی سیاسی وابسته است. افکار عمومی نیز نسبت به اینکه کدام یک از عملیات‌های اطلاعاتی پذیرفتنی یا ناپذیرفتنی است، حساس هستند.

بدین ترتیب، تعدادی از نویسندگان با در نظر گرفتن این عوامل و دیگر عوامل نگرش جدیدی نسبت به ماهیت و اهداف «اطلاعات» در قرن جدید مطرح کرده‌اند. اکنون این نگرش را در قالب سه بخش «اطلاعات بعد از جنگ سرد»، «اطلاعات، فناوری، و انقلاب ارتباطات»، و «افکار عمومی و اطلاعات» بررسی خواهیم کرد. البته باید افزود که آثار مربوط به نگرش تازه نیز به شدت تحت تأثیر اندیشمندان و اندیشه‌های استراتژیست‌های آمریکایی و منافع امنیتی این کشور قرار گرفته است.

#### ۱-۲-۲ اطلاعات بعد از جنگ سرد

از سال ۱۹۴۵، سیاست جهانی تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر تعارض میان آمریکا و شوروی بوده است. این دو کشور پس از جنگ جهانی دوم دو ابرقدرت جهان شدند. منافع ایدئولوژیک، سیاسی، نظامی، و امنیتی هریک از این دو کشور و متحدان آنان به سراسر جهان گسترش یافت و تقریباً تمامی تحولات مهم بین‌المللی را تحت الشعاع قرار داد.

درباره اینکه جنگ سرد در چه زمانی و چرا آغاز شد و چه کسی مسئول آن بود نظریات مختلفی وجود دارد، اما مهم‌ترین مشخصه این دوره تقابل منافع شوروی و ایالات متحده آمریکا بود. تعارض و رویارویی این دو ابرقدرت چنان شدید بود که عملاً جهان را به دو بلوک شرق به سرکردگی شوروی و غرب به سرکردگی آمریکا تقسیم کرده بود. به عبارت ساده‌تر، می‌توان گفت که در این دوره جهان کاملاً به سیاه و سفید تقسیم شده بود و گروهی از کشورها متحد شوروی و گروهی دیگر در جناح آمریکا بودند و منافع ملی و امنیتی نیز بر این اساس تعیین و پیگیری می‌شد (برای اطلاعات بیشتر در مورد جنگ سرد، نک. بیلین و اسمیت، ج ۱، ۱۳۸۳).

در این دوره، «اطلاعات» یکی از مهم‌ترین ابزارهای طراحی، اجرا، و نظارت بر سیاست‌های ابرقدرت‌ها به شمار می‌آمد، که بازتاب آن را می‌توان در ادبیات داستانی، آثار سینمایی، و نشریات و روزنامه‌های آن زمان مشاهده کرد.<sup>۱</sup> تصمیم‌گیری سیاستمداران برای مواجهه با تحولات بین‌المللی در این دوره به شدت وابسته به میزان آگاهی از نیات و مقاصد طرف مقابل بود که صرفاً به دست سازمان‌های اطلاعاتی کشف و بررسی می‌شد. بحران موشکی کوبا در اوایل دهه ۱۹۶۰ و نقش «اطلاعات» در آن به خوبی این ادعا را ثابت می‌کند. اما رویدادهای اواخر دهه ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۹۱ و تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، پایانی بر جنگ سرد و ساختار بین‌المللی حاکم بر آن بود. سقوط شوروی و پایان جنگ سرد از سه لحاظ اهمیت دارد:

«نخست اینکه این رویدادها نشان‌دهنده پایان ساختار دوقطبی جهان بودند که بر اساس رقابت میان امریکا و شوروی شکل گرفته بود.

ثانیاً، در اثر این تحولات تغییرات مهمی در سطح دولت‌ها اتفاق افتاد. بسیاری از کشورهای قبلی که تا قبل از این رویداد مجبور به اتحاد با یکی از دو بلوک قدرت بودند، در پرتو این تحول بنیادین که در نظام بین‌الملل اتفاق افتاد، منافع و نقش‌های ملی خود را از نو تعریف کردند. این امر درباره کشورهای بزرگی همانند ایالات متحده که سیاست‌هایش بر اساس تهدید شوروی شکل گرفته بود نیز مصداق داشت. به طور کلی، پایان جنگ سرد باعث تعریف دوباره منافع ملی در تمام کشورها و در برخی از موارد تغییر خود کشورها شد.

سومین شاخص مهم پایان جنگ سرد، تغییر در سازمان‌های بین‌المللی است. پایان شکاف مجازی میان شوروی [و] امریکا در شورای امنیت سازمان ملل موجب شد تا این نهاد بین‌المللی با آزادی عمل بیشتری به مسائل و تحولات بین‌المللی بپردازد و ... (بیلیس و اسمیت، همان، ص ۲۱۵-۲۱۴).

۱. نگارش رمان‌های جاسوسی برگرفته از جنگ خاموش میان سازمان‌های اطلاعاتی دو ابرقدرت و محصولات سینمایی مانند جیمز باند از جمله این تأثیرات است.

به عبارت دیگر با پایان جنگ سرد تغییری بنیادین در سطح نظام بین‌الملل رخ داده است. مسائل سیاست داخلی و نیز نه تنها در کشورهایی که کمونیسم در آنها سرکوب شده بود، بلکه در امریکا هم تحولات و تغییرات بزرگی را متحمل شد. پس از جنگ سرد، مسائل اخلاقی و فرهنگی و موضوعات زیست‌محیطی جای مسائل نظامی، امنیتی، و عقیدتی را گرفتند که مشخصه دوران جنگ سرد بود.

متعاقب این تحولات، «اطلاعات» نیز که متغیری وابسته به سیاست دولت‌ها و در وهله بعدی سیاست بین‌المللی است، به این تحولات واکنش نشان داد. سازمان‌های عریض و طویل امنیتی و اطلاعاتی که در دوران جنگ سرد برای مواجهه با ابرقدرت حریف سازمان‌دهی شده بودند اکنون با فروپاشی یکی از آنان علت وجودی خود را در بسیاری از کشورها از دست داده بودند. در بسیاری از کشورهای بلوک غرب، حتی در امریکا، استدلال می‌شد که آیا با از بین رفتن مهم‌ترین تهدید امنیتی غرب همچنان نیازی به وجود چنین سازمان‌های پرهزینه‌ای وجود دارد؟ در حال حاضر که هیچ تهدید استراتژیکی برای ایالات متحده وجود ندارد، آیا باز هم توجیهی برای توسل به جاسوسی و اقدام پنهان وجود دارد که در سال‌های جنگ سرد ابزارهای مهمی به حساب می‌آمدند؟ آیا ما همچنان نیازمند نظام اطلاعاتی با سازوکار زمان جنگ سردیم؟

مشابه چنین سؤالاتی در کشورهای رهاشده از چنگال کمونیسم نیز وجود داشت و بسیاری از نخبگان سیاسی جدید در این کشورها با توجه به رهایی از چنگال شوروی و حمایت غرب از آنان ادعا می‌کردند که نیاز چندانی به سازمان‌های اطلاعاتی مخوف، پنهان، و پرهزینه ندارند و اصولاً این سازمان‌ها با دموکراسی در تضادند.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب، با مطرح شدن چنین شک و تردیدهایی در خصوص سازمان‌ها و

---

۱. البته اشتباه بودن چنین دیدگاه‌هایی بلافاصله ثابت شد و تشکیل سازمان‌های امنیتی بر پایه اصول سازمانی سازمان‌های امنیتی دوران شوروی در چنین کشورهایی، این مطلب را به‌خوبی نشان می‌دهد. اتفاقاً در بسیاری از این کشورها مانند آذربایجان و ترکمنستان اعضای سابق سازمانی اطلاعاتی شوروی بار دیگر به قدرت رسیدند.

فعالیت‌های اطلاعاتی، «اطلاعات» و ماهیت آن به چالش کشیده شد. تعدادی از نویسندگان و تحلیلگران در چنین اوضاعی با تعیین اهداف و تهدیدات جدید امنیتی و اطلاعاتی در جهان بعد از جنگ سرد، با باز تعریف مفهوم اطلاعات، در معرفی کارکردهای اطلاعات پس از جنگ سرد تلاش‌های وسیعی را انجام دادند.

آلن گودمن و بروس برکوویتس در سال ۱۹۹۴ در مقاله‌ای با عنوان «اطلاعات بعد از جنگ سرد»، با ذکر این نکته که «دوران پس از جنگ سرد یادآور بهترین دوران برای ایالات متحده و بدترین آن برای سازمان اطلاعاتی امریکاست» ادعا می‌کردند که جهان امروز به مکانی کم‌خطرتر مبدل شده و دشمن اصلی امریکا - که جامعه اطلاعاتی مدت‌های مدید علیه آن عمل کرده بود - دیگر وجود خارجی ندارد و ... این امر احتمالاً موجب کاهش بودجه جامعه اطلاعاتی خواهد شد. چنین تحولاتی این سؤال را پیش می‌آورد که مأموریت اطلاعات در دهه ۱۹۹۰ دقیقاً چه باید باشد؟ (Goodman & Berkowitz, 1994, pp. 301-319). آنان در ادامه تأکید می‌کنند که «پایان جنگ سرد به این معنی نیست که ما نیاز کمتری به آگاهی از امور جهان یا آگاهی از خطرهایی داریم که این تغییر و تحولات بر سر راه منافع امریکا ایجاد می‌کند، بلکه به معنای آن است که در جمع‌آوری و استفاده از اطلاعات باید شیوه مؤثرتر و جدیدی را اتخاذ کنیم».

دیوید میجر نیز در مقاله دیگری در سال ۱۹۹۶ با عنوان «دورنمای جاسوسی در قرن بیست و یکم» با اشاره به نگرش‌هایی که پس از جنگ سرد به لازم نبودن سازمان‌های اطلاعاتی قائل‌اند، معتقد است: برای پیگیری و اجرای سیاست خارجی مستقل و قدرتمند، دولت امریکا ناگزیر خواهد شد که نه فقط به روش‌های آشکار در جهت رسیدن به اهدافش روی آورد بلکه باید از مساعدت دوستان و هواداران مخفی خود نیز بهره‌مند شود. رسیدن به چنین اهدافی بجز از طریق سازمان‌های اطلاعاتی مقدور نیست. البته بدیهی است که روش‌ها و اشکال کار اطلاعات همانند اولویت‌های آن باید تغییر کند (Major, 2000, p. 5).

در دوران جنگ سرد تعاریف واقع‌گرایانه از منافع ملی و امنیت ملی تقریباً ساده بود.

مورگنتا در اثر مهم خود در زمینه سیاست بین‌الملل چنین ابراز داشته است: «منافع ملی هر کشوری را صرفاً می‌توان در قالب امنیت ملی آن توصیف کرد و امنیت ملی نیز باید به مثابه تمامیت ارضی و حفظ نهادهای آن کشور تلقی گردد.» در دوران جنگ سرد، این دیدگاه اصل راهبردی سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی دولت‌های غربی بود. اما رویدادهای پس از جنگ سرد چالش‌های تازه‌ای در مقابل تحلیلگران امنیتی و اطلاعاتی قرار داد. به نظر می‌آید الگوهای سنتی تفکر امنیتی در اوضاع جدید کارایی نداشته باشد.

در وضعیتی که تغییر و تحولات سریع عادی تلقی شود، شک و تردید فزونی می‌یابد. در دنیای پس از جنگ سرد شاید تهدیدات امنیتی دولت‌ها چندان جدی نباشد، اما متنوع‌تر و پیچیده‌تر است. بعضی از مشکلات نه امنیت ملی سنتی بلکه رفاه ملی دولت‌ها را تهدید می‌کنند. سیاستگذاران در مورد تجارت بین‌المللی مواد مخدر، مسائل زیست‌محیطی، و پایبندی دیگر کشورها به تعهدات خود در پیمان‌ها دقیقاً به سازمان‌های اطلاعاتی نیاز دارند. بدین ترتیب بسیاری از نویسندگان و تحلیلگران به وجود سازمان‌های اطلاعاتی در دنیای پس از جنگ سرد و نیاز به اطلاعات تأکید می‌کنند. جوزف نای<sup>۱</sup> معتقد است: نیاز به اطلاعات تخمینی پس از جنگ سرد همچنان باقی است، هر چند خطر تهاجم دیگر وجود ندارد ... اما سازمان‌های اطلاعاتی یک مشکل بزرگ دارند. ساختار سیاست جهانی که مآخذ تحلیل‌های آینده‌نگرانه است باید چگونه درک شود؟ (Godson, May, & Schmitt, *ibid.*, p. 148).

در جنگ سرد جهان دوقطبی بود و در نتیجه بیشتر مسائل سیاسی تحت نفوذ سیاسی شوروی و امریکا قرار داشت. امروزه، ساختار قدرت مانند بازی شطرنج سه‌بعدی است. در رأس آن قدرت نظامی قرار دارد که یک‌قطبی است. ایالات متحده تنها کشوری است که توانایی طراحی استراتژی نظامی جهانی را دارد. در مرکز قدرت اقتصادی است که سه‌قطبی است و با رشد چین در کنار امریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا چهارقطبی می‌شود. قاعده این مثلث نیز شامل مسائل گوناگون بین‌المللی است که خارج از اختیار دولت‌هاست، از جمله

بحران‌های اقتصادی، قاچاق مواد مخدر، تروریسم، و مسائل زیست‌محیطی. در این بخش هیچ قدرت فائده‌ای وجود ندارد. «پیچیده‌تر شدن هر چه بیشتر ساختار قدرت، به مفهوم افزایش تردید در پیش‌بینی‌ها از آینده است. سیاست‌ها غالباً ثابت نیستند و در معرض تغییرات زیادی قرار دارند، اما از زمان پایان جنگ سرد این تغییرات افزایش یافته است» (Ibid.).

برخی دیگر از نویسندگان نیز معتقدند که پس از پایان جنگ سرد مقامات رسمی و کارشناسان امنیتی و طراحان سیاست خارجی غربی به شدت تلاش کرده‌اند تا در حوزه مسائل مربوط به امنیت، به جای مفهوم «تحدید نفوذ» شوروی به مثابه اصلی نظام‌بخش، ایده جدیدی را مطرح کنند. از نظر آنان، یافتن این طرح برای سازمان‌های اطلاعاتی از این حیث مهم است که بازیگران اصلی را در امور جهانی مشخص و تهدیدهای خارجی غرب (به‌ویژه ایالات متحده) را تعریف می‌کند. این امر اولین سؤال هر افسر اطلاعاتی را به شکل مؤثری پاسخ می‌دهد: «باید مراقب چه کسی باشیم و چه ضرورتی دارد که از آنان نگران باشیم» (Berkowitz & Goodman, ibid., p. 20).

اگر بگوییم سقوط شوروی خلئی در سیاست امنیت ملی آمریکا ایجاد کرد، چندان بیهوده نگفته‌ایم. در تمام پنجاه سال جنگ سرد طراحی امنیت ملی نسبتاً شفاف و منظم بود. در دوران جنگ سرد نیازی نبود که سیاستگذاران درباره اصول اولیه بحث کنند. همه می‌دانستند که تهدید کجاست. رهبران آمریکا می‌پنداشتند که مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده امور جهانی گسترش تهدیدات شوروی است. در این وضعیت وظیفه جامعه اطلاعاتی این بود که با تهیه اطلاعات در خصوص تهدید شوروی به سیاستگذاران امنیتی و سیاست خارجی کمک کند. به کلام ساده‌تر تمام تحولات دنیا از پشت عینک جنگ سرد دیده می‌شد و وظیفه نهادهای امنیتی و اطلاعاتی کاملاً مشخص بود. بنابراین، احتمالاً بیشترین نگرانی امنیتی آمریکا در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تعداد موشک‌های بالستیک و کلاهک‌های هسته‌ای شوروی بود.

اما در وضعیت پس از جنگ سرد، تهدید اصلی و تنها هدف اقدامات اطلاعاتی از



میان رفته است و بدون یک تهدید امنیتی استراتژیک سیاستگذاری برای امنیت ملی و سازمان‌دهی نهادهای اطلاعاتی بسیار دشوار و غیرمنطقی به نظر می‌رسد.

بدین ترتیب، بسیاری از تحلیلگران و نویسندگان و حتی سیاستمداران غربی و به‌ویژه امریکایی با مطرح کردن نظریه‌های جدید و تهدیدات نو سعی کردند بر اساس آن به تشریح مسائل جهانی دوران جنگ سرد پردازند. در این باره فرضیات متعددی مطرح شد که هر یک از آنها مبتنی بر این اندیشه‌اند که بازیگر جدیدی در نقش اولویت تهدید جایگزین شوروی شده است. بنابراین هر یک از این فرضیات نیاز به وجود جامعه اطلاعاتی را برای مراقبت از این دشمن فرضی توجیه می‌کند.

این فرضیات ریشه در نوشته‌های اندیشمندانی مانند ساموئل هانتینگتن و فرانسیس فوکویاما و دیگران داشتند. بر اساس این فرضیات، درگیری‌های قومی، اختلافات مذهبی، و درگیری‌های اقتصادی منابع تهدید امنیت ملی غرب، به‌ویژه ایالات متحده امریکا، در جهان پس از جنگ سرد خواهند بود.

هانتینگتن با طرح فرضیه برخورد تمدن‌ها درگیری‌های فرهنگی را مهم‌ترین منبع تهدید می‌داند. فوکویاما با اعتقاد به «پایان تاریخ» و پیروزی نهایی لیبرال دموکراسی بر ایدئولوژی‌های دیگر معتقد بود که از این پس تنها رقابت‌های اقتصادی منبع تهدید خواهند بود.

برخی دیگر از اندیشمندان نیز با اشاره به اختلافات عمیق مذهبی در بیشتر نقاط جهان مانند بنیادگرایی اسلامی، افراط‌گرایان هندی، فرقه فولان گانگ در چین، یهودیان افراطی رژیم صهیونیستی، و ... معتقد بودند که گروه‌های مذهبی ممکن است به ایجاد بحران و تهدید علیه امنیت ملی غرب منجر شوند برخی از نخبگان مذهبی از نفوذ خود برای سازمان‌دهی اقدامات تروریستی علیه غرب استفاده کنند (Brown, 1993, p. 25).

فرضیه مهم دیگری نیز سازمان‌های غیردولتی و بازیگران بدون حکومت را تهدیدات امنیتی غرب در دوران جنگ سرد معرفی می‌کند. نکته اساسی این فرضیه آن است که دیگر حکومت‌های ملی تنها بازیگران عرصه بین‌المللی نیستند یا حتی مهم‌ترین آنها نیز به

شمار نمی‌آیند. سازمان‌های تروریستی بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی، مؤسسات پولی بین‌المللی، و گروه‌های غیرانتفاعی مانند صلح سبز و عفو بین‌الملل نیز از بازیگران قدرتمند عرصه جهانی‌اند که بعضاً از کشورهای دارای حاکمیت نیز قدرتمندترند. (Berkowitz & Goodman, *ibid.*, p. 25).

هریک از دیدگاه‌های مطرح‌شده مستلزم تعیین مجموعه‌ای از مأموریت‌ها و اولویت‌ها برای سازمان‌های اطلاعاتی و در نتیجه تغییر در نحوه سازمان‌دهی اطلاعات است. بنابراین سؤال این است که جامعه اطلاعاتی امروزه (پس از جنگ سرد) باید مراقب چه کسی و نگران کدام یک از تهدیدها باشد؟ یک پاسخ منطقی این است که باید به تمام تهدیدات توجه کند. امروزه بسیاری از بازیگران متفاوت می‌توانند صحنه‌گردان امور بین‌المللی باشند و منافع ملی دولت‌ها را تهدید کنند.<sup>۱</sup> در نتیجه برای جامعه اطلاعاتی انواع و اقسام تهدیدات اهداف وجود دارد که باید نسبت به آنها حساس باشد. در مجموع، مسئله مورد بحث تحلیلگران اطلاعات فقط این نیست که تنوع و تعداد تهدیدها بسیار گسترده‌اند، بلکه ماهیت فضای تهدیدات اساساً دگرگون شده است. درک این پدیده بسیار مهم است، زیرا به تعریف کاملاً متفاوتی از «اطلاعات» نسبت به آنچه در دوران جنگ سرد وجود داشت منجر می‌شود. نکته دیگری که پس از جنگ سرد موجب بروز تغییراتی در موضوعات اطلاعات شده است افزایش نقش بخش خصوصی در امنیت‌سازی برای کشورهاست. با توجه به اینکه در دوران جنگ سرد ماهیت امنیتی تحولات و روابط در نظام بین‌الملل فضای چندانی برای نقش‌آفرینی دیگر بازیگران به غیر از دولت باقی نگذاشته بود، منافع بخش خصوصی که بیشتر در قالب منافع اقتصادی می‌گنجد جایگاهی در تعریف امنیت کشور نداشت. اما پس از جنگ سرد، به قول ساموئل پورتنیس، «دیگر دوران روابط امنیتی گذشته که

۱. مثلاً، در حوادث تابستان سال ۱۳۸۴ در اهواز و شهرهای مرزی یک گروه قومی امنیت ملی ایران را تهدید می‌کرد. نمونه‌ای دیگر تلاش شرکت ترک سل و تاو ترکیه برای شکایت علیه دولت است که منافع ملی ما را مطمئناً تحت تأثیر قرار خواهد داد.

مسائل اقتصادی را تحت الشعاع قرار می‌داد به سر آمده است» (Porteus, 1994, pp. 735-752). امروزه، پس از جنگ سرد، وابستگی روزافزون اقتصادی میان دولت‌ها و رقابت رو به افزایش جهانی میان دولت‌ها بر سر منافع اقتصادی به منزله منشأ بروز تنش و جنگ میان قدرت‌های جهانی است. هرچند تهدید دخالت قدرت‌ها در جنگ نظامی در مقایسه با دوران جنگ سرد کاهش یافته است، شاهد افزایش جنگ اقتصادی میان آنهایم.<sup>۱</sup>

در حال حاضر تمامی کشورها، «رکود اقتصادی، فقر نسبی و ناآرامی‌های اجتماعی ناشی از آن» را تهدید جدی علیه امنیت خود به شمار می‌آورند. بنابراین، تمامی کشورها شدیداً تلاش می‌کنند تا از تمامی امکانات موجود خود برای بالا بردن میزان تولید و تضمین امنیت اقتصادی استفاده کنند و یکی از مؤثرترین امکانات «جاسوسی اقتصادی» است. طبق اظهارات جیمز ولسی رئیس اسبق سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا)، در حال حاضر جاسوسی اقتصادی داغ‌ترین مسئله در سیاست‌های اطلاعاتی به شمار می‌آید. (Porteus, ibid.).

بنابراین در نتیجه‌گیری باید گفت که تحولات پس از فروپاشی شوروی به افزایش موضوعات تحت پوشش اطلاعات منجر شده است. در زمان جنگ سرد فقط اقدامات ضد امنیتی دولت دشمن و عمال و جاسوسان وابسته به آن توسط سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی پیگیری می‌شد، اما در دنیای پس از جنگ سرد، اقدامات ضد امنیتی سازمان‌های غیردولتی، افراد دارای حاکمیت، قاچاقچیان مواد مخدر، و ... نیز جزو اهداف این سازمان‌ها به شمار می‌آیند. همچنین، علاوه بر موضوعات نظامی و امنیتی، مسائل اقتصادی و اطلاعات اقتصادی نیز با هدف تأمین امنیت اقتصادی به یکی از موارد تحت پوشش «اطلاعات» تبدیل شده است. و همان‌طور که رابرت گیتز<sup>۲</sup> گفته است: «از بین رفتن کمونیسم جهانی یک رشته وظایف جدید را بر عهده سازمان‌های اطلاعاتی نهاد که پیچیده‌تر و متنوع‌تر از زمان جنگ سردند» (Shukman, 2000, p. 220).

۱. اختلافات تجاری میان امریکا و اروپا و چین و یارانه‌هایی که هر کدام از این دولت‌ها در بخش‌هایی مانند صنایع فولاد، هواپیماسازی و نساجی در مقابل تولیدکنندگان رقیب در نظر می‌گیرند به خوبی نشان‌دهنده این جنگ‌هاست.

2. Robert Gates

## ۲-۲-۲ اطلاعات، فناوری، و انقلاب ارتباطات

فناوری و پیشرفت علوم همواره تأثیر شگرفی در ابعاد مختلف زندگی بشر بر جای گذاشته است. توسعه فناوری بعد از شروع انقلاب صنعتی در انگلستان، علاوه بر افزایش سطح رفاه زندگی بشر، شیوه زندگی و اوضاع محیطی بشر را نیز به شدت تغییر داده است، به گونه‌ای که وضعیت زندگی اجتماعی بشر قبل از شکل‌گیری یک فناوری (مثلاً تلفن) در مقایسه با شرایط بعد از آن کاملاً متفاوت شده است.<sup>۱</sup>

«اطلاعات» نیز به مثابه بخشی حاشیه‌ای (اما مهم) از زندگی بشر به شدت تحت تأثیر فناوری بوده است. از زمانی که انسان برای اولین بار در صدد جمع‌آوری اطلاعات در مورد توانایی‌ها و اهداف قبایل و طوایف همسایه خود برآمد، مأموران اطلاعاتی و اطلاعات وجود داشته است. انسان در ابتدا برای کسب اطلاع و آگاهی در خصوص موضوعات مورد نظرش از روش‌هایی کاملاً ساده که بیشتر متکی بر توانایی‌های ذاتی بشر - مانند توانایی بینایی، شنوایی و بویایی - بوده است بهره می‌برد. در این اوضاع، فعالیت اطلاعاتی بسیار سخت، دیربازده، ابتدایی، خشن، و پرخطر بوده است. کشف آهن و فلزات دیگر برخی از امکانات را در اختیار انسان قرار داد تا بهره‌گیری از قابلیت‌های آنها اقدامات خود را با اطمینان بیشتری انجام دهند.

با پیشرفت دانسته‌های بشر از محیط اطراف خود و دستیابی به فناوری‌های تازه همانند دیگر عرصه‌های زندگی بشری، «اطلاعات» نیز پیچیده‌تر، سریع‌تر، و کم‌خطرتر شده است. البته در تمامی این دوره‌ها، هدف از اقدامات اطلاعاتی (به قول عامه، جاسوسی) کسب اطلاع و آگاهی درباره موضوعات مورد نظر بوده است و هیچ تغییری در این هدف ایجاد نشده است. در تمام این دوره‌ها، قبایل، طایفه‌ها، و دولت‌ها همچنان نیازمند جاسوسی مانده‌اند: زمانی دولت‌ها برای کسب اخبار در مورد موقعیت و تعداد نیروهای دشمن یا کشور رقیب مجبور به اعزام جاسوسان حرفه‌ای خود و نفوذ به داخل خاک دشمن بودند و

۱. تأثیر تحولات فناوری در زندگی بشر به خوبی در کتاب موج سوم اثر الوین تافلر به تصویر کشیده شده است. تافلر در این کتاب سه موج کشاورزی، صنعتی، و فراصنعتی را در زندگی بشر تمیز داده است که تفاوت این سه مرحله در نوع فناوری مورد استفاده بشر است.

جاسوسان با لباس‌های مبدل و تغییر چهره به جاسوسی می‌پرداختند. امروزه، با پیشرفت علوم و فناوری‌های متنوع، این مسیرها کوتاه و امکان دسترسی به اخبار سریع‌تر شده است. علاوه بر این، استفاده از ابزارهای جدید (محصول فناوری‌های نو) به کاهش تلفات انسانی و هزینه‌های اقدام اطلاعاتی منجر شده است. در جنگ جهانی اول و دوم، طرفین جنگ برای آگاهی از موقعیت و تعداد قوای دشمن از هواپیماهای غول‌پیکر برای عکسبرداری (که با دقتی بسیار پایین انجام می‌گرفت) استفاده می‌کردند. اما جاسوسان امروزی به یمن فناوری می‌کشند پرنده‌هایی به اندازه ریز تراشه‌ها بسازند تا بدون جلب توجه دشمن و بدون نیاز به هزینه هنگفت به سادگی از اهداف مورد نظر با دقتی بسیار زیاد عکسبرداری کنند. بهره‌گیری از امکانات پیشرفته شنود الکترونیک، ماهواره‌های جاسوسی و هواپیماهای بدون سرنشین غیرقابل شناسایی از دیگر موارد کاربرد فناوری در اطلاعات‌اند.<sup>۱</sup>

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توسعه فناوری‌های علمی در طول دهه‌ها و قرون گذشته و بهره‌برداری انسان از آنها موجب تغییر ابزارهای اقدامات اطلاعاتی شده و عملیات‌های اطلاعاتی دقت و کیفیت بهتری یافته‌اند.

البته باید خاطر نشان کرد که پیشرفت فناوری، علاوه بر ارائه تسهیلات به اطلاعات، پیامدهای دیگری نیز داشته است. عصری که در آن زندگی می‌کنیم، عصر ارتباطات و انقلاب اطلاعات است. فناوری اطلاعات و ارتباطات در تمامی زوایای زندگی انسان نفوذ کرده و شیوه زندگی انسان‌ها را تغییر داده است. پدیده اینترنت در حکم سرآمد این فناوری، علی‌رغم نوظهور بودن، با اقبال گسترده مردم مواجه شده است. ویژگی سرعت، دقت، و هزینه حداقل باعث شده است که تمامی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی از آن بهره‌برداری کنند. سازمان‌های اطلاعاتی نیز امروزه از اینترنت به صورت ابزاری برای ارتباط سریع، کم‌هزینه، و مطمئن و همچنین وسیله‌ای برای برخی از دیگر اقدامات اطلاعاتی بهره‌برداری می‌کنند.

البته این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که این پدیده جوامع بشری را با مفاهیم و

---

۱. سازمان امنیت ملی آمریکا، با در اختیار داشتن ماهواره‌ها و امکانات شنود الکترونیک در تمامی نقاط دنیا، در حال حاضر یکی از نمونه‌های کاربرد فناوری در اطلاعات است.

مؤلفه‌های جدیدی مانند جنگ افزارهای اطلاعاتی و الکترونیکی، راهزنان رایانه‌ای، فضای سبیرنتیکی، و غیره آشنا ساخته است. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، عصر اطلاعات و فناوری‌های مربوط به آن موجب ظهور آسیب‌ها و تهدیدات جدید در حفاظت از اخبار و اطلاعات حساس امنیتی (سیاسی، اقتصادی، و نظامی) شده است. بنابراین، تحولات فناورانه، علاوه بر امکاناتی که در اختیار «اطلاعات» قرار داده است، چالش‌هایی را نیز برای آن به همراه آورده است.

جهان در حال حاضر به عصر جدیدی وارد شده است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. تجارت الکترونیک، فعالیت‌های اقتصادی شبکه‌ای، و جهانی مبتنی بر اطلاعات از ویژگی‌های این عصر است. غالب مبادلات و معاملات اقتصاد کنونی از نوع اطلاعات است تا کالاهای فیزیکی (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۵-۱).

دیگر دولت‌ها نیستند که تصمیم‌گیر نهایی در همه مسائل اقتصادی‌اند. امروز در کنار دولت‌ها قدرت‌های دیگری (که در تأثیرگذاری گاهی از دولت‌های ملی هم توانمندتر عمل می‌کنند، مانند شرکت‌های چندملیتی، افراد و سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی) به ایفای نقش می‌پردازند. این بازیگران بسیار گسترده‌اند و دسترسی آنان به فناوری‌های برتر و شبکه‌های پیچیده توزیع و تولید بر اهمیت نقش آنان در نظام بین‌الملل افزوده است، به گونه‌ای که در بسیاری از مواقع با استفاده از قدرت فناورانه و اقتصادی خود موقعیت دولت‌ها را به چالش می‌کشند. انقلاب اطلاعات نقش‌های مختلفی را متحول کرده که بازیگران در عرصه بین‌المللی ایفا می‌کنند. انقلاب اطلاعات از چند طریق نقش و عملکرد دولت‌ها را تغییر داده است. نخست اینکه حکومت‌ها به اطلاعات بیشتری دسترسی دارند و در واقع حکومت‌ها اطلاعات بسیار زیادی در اختیار دارند. کثرت اطلاعات به واقع حکومت‌ها را فلج کرده است. دوم اینکه شبکه‌های جهانی انحصار حکومت‌ها بر اطلاعات را از بین می‌برند. گاهی شرکت‌ها، روزنامه‌نگاران و سازمان‌های غیردولتی در مقایسه با دولت‌ها از اطلاعات بیشتر و بهنگام‌تری برخوردارند.

سوم اینکه شبکه‌های جهانی سبب ایجاد شفافیت برای همه در امور مختلفی شده که

از جمله موضوعاتی است که برای دولت‌ها محرمانه تلقی می‌شوند و بدین ترتیب، تأثیر پنهانکاری - که عنصر لازم فعالیت‌های اطلاعاتی دولت است - بی‌معنی به نظر می‌آید (بیلیس و اسمیت، همان، ج ۲، ص ۱۲۲۵-۱۲۲۴).

این تأثیرات باعث شده که دولت‌ها، به علت کثرت بیش از حد اطلاعات و ممکن نبودن تشخیص اطلاعات مفید از غیرمفید، در نوعی سردرگمی اطلاعاتی و بی‌اطلاعی به سر برند. در چنین اوضاعی، سازمان‌های اطلاعاتی نیز نمی‌توانند نتیجه اقدامات خود را با عنوان اطلاعات دست اول و کاملاً مطمئن و ارزیابی شده در اختیار تصمیم‌گیران قرار دهند، زیرا انبوهی از اطلاعات درباره همان موضوع در شبکه جهانی وجود دارد و تصمیم‌گیران را در خصوص صحت یا سقم اطلاعات ارائه‌شده سازمان‌های اطلاعاتی به تردید می‌اندازد. همچنین تشخیص اطلاعات دارای طبقه‌بندی از اطلاعات و اخبار عادی، به علت حجم عظیم اطلاعات موجود درباره یک موضوع خاص، بسیار مشکل شده است.

تأثیر مخرب بعدی بر «اطلاعات» این است که در چنین اوضاعی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی نمی‌توانند ادعا کنند که تنها دارندگان اخبار و اطلاعات دقیق درباره موضوعات حساس‌اند. از طرف دیگر، شفاف‌سازی ناشی از شبکه‌های جهانی اطلاعات و ارتباطات، پنهانکاری ضروری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی را به چالش می‌کشد و بر کاهش آن اصرار می‌ورزد و در نتیجه، بسیاری از فعالیت‌ها و محصولات این سازمان‌ها آشکار می‌شود و در خدمت افکار عمومی قرار می‌گیرد.

تأثیر دیگر انقلاب ارتباطات و اطلاعات بر نقش بازیگران عرصه بین‌المللی مطرح شدن شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های غیردولتی و نهادهای بین‌المللی در نقش بازیگران قدرتمند بین‌المللی است. شبکه‌های جهانی به صورتی روزافزون به شرکت‌ها این امکان را می‌دهند که از طریق سرمایه‌گذاری، مشارکت، و تحصیل ثروت فراتر از مرزهای کشور گسترش یابند. (مانند شرکت‌های هر می مثل گولد کوئیست). سیاستگذاری و تدوین قواعد و مقررات برای این شرکت‌ها توسط دولت‌ها بسیار دشوار شده است.

همچنین شبکه‌های جهانی سازمان‌های غیردولتی را قادر می‌سازد که اطلاعات لازم را

برای سازمان‌دهی مردم و گروه‌هایی که با اهداف آنان همدلی دارند تولید و منتشر کنند تا این سازمان‌ها بتوانند به اهداف مورد نظر خود دست یابند. بدین ترتیب، نفوذ این سازمان‌ها در سیاست بین‌الملل به شدت افزایش داشته است و منشأ بسیاری از تحولات بوده‌اند.<sup>۱</sup>

در کل، باید گفت که این تحولات باعث شده است که فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی از انحصار دولت خارج شود و شرکت‌های خصوصی، سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی نیز با توجه به توانایی‌ها و نفوذشان در نظام بین‌الملل دست به چنین اقداماتی بزنند. بنابراین، در چنین اوضاعی نمی‌توان صرفاً با تأکید بر نقش دولت‌ها در عرصه فعالیت‌های اطلاعاتی «اطلاعات» را متغیری وابسته به سیاست‌ها و منافع دولت تعریف کرد بلکه اخبار و آگاهی‌های مورد نظر یک شرکت تجاری یا یک سازمان غیردولتی نیز در نوع خود اطلاعات محسوب می‌شود و دارای طبقه‌بندی است و حتی این شرکت‌ها و سازمان‌ها در تهیه آن نیز از روش‌های پنهان بهره می‌گیرند و به شدت از آن حفاظت می‌کنند. بنابراین، در جهان امروز، می‌توان اطلاعات را اخبار سازمان‌یافته‌ای تعریف کرد که هدف آن برطرف کردن نیازهای خاص سیاست‌گذاری یک شرکت، مجموعه اقتصادی، یک سازمان بین‌المللی، یا گروهی تروریستی است.

به موازات افزایش خدمات‌رسانی اینترنت در حوزه‌های مختلف زندگی بشر، و به‌ویژه امور بازرگانی و تجاری، حجم تهدیدات و آسیب‌های ناشی از آن (مانند جاسوسی اینترنتی) نیز رشد چشمگیری داشته است (Alexander & Swetnam, 2001, pp. 8-12).

فناوری‌های جدید ممکن است حتی اطلاعات خصوصی افراد و به تبع آن دولت و شرکت‌ها و سازمان‌ها را تهدید کند. سارقان اینترنتی می‌توانند از طریق شبکه اینترنت بانفوذ به بانک‌های اطلاعاتی افراد، دولت‌ها، و شرکت‌های تجاری به سرقت اطلاعات و بهره‌برداری از آنها برای اهداف خود اقدام کنند. از آنجا که تمامی نهادها و سازمان‌های دولتی به شبکه‌های اینترنتی متصل‌اند و اطلاعات حساس خود را در معرض این شبکه‌ها قرار می‌دهند، این تهدیدات مستقیماً به امنیت ملی دولت‌ها مرتبط شده است.

۱. نقش سازمان‌های غیردولتی در انقلاب‌های مخملین آسیای مرکزی و قفقاز به‌خوبی این موضوع را ثابت می‌کند.



تروریست‌ها ممکن است از طریق سرقت اینترنتی اطلاعات به چگونگی ساخت یک بمب دسترسی پیدا کنند. دشمنان و دولت‌های رقیب با استفاده از شبکه اینترنت می‌توانند به ایجاد جنگ روانی و تشدید اختلافات میان گروهی و قومی در جامعه مورد نظر خود اقدام کنند و از نتایج آن بهره‌مند شوند.<sup>۱</sup>

در پایان می‌توان تأثیر فناوری در اطلاعات را در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱. تحول در روش‌های اجرای عملیات‌های اطلاعاتی با بهره‌گیری از ابزارهای جدیدی که پیشرفت فناوری در اختیار اطلاعات قرار می‌دهد،
۲. تحول در تعریف اطلاعات نه تنها به منزله تمامی اخبار، آگاهی‌ها، و داده‌هایی که در مورد منافع، تهدیدات، و سیاست‌های دولت‌ها، بلکه تمامی اخبار و داده‌های مربوط به شرکت‌های خصوصی و چندملیتی و سازمان‌های بین‌المللی نیز در نوع خود «اطلاعات» محسوب می‌شود،
۳. شکل‌گیری تهدیدات امنیتی جدید برای دولت‌ها،
۴. کاهش نظارت دولت‌ها بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی،
۵. کاهش ماهیت پنهان فعالیت‌های اطلاعاتی و افزایش میزان شفافیت،
۶. از طرف دیگر، تحت تأثیر انقلاب ارتباطات موضوع «عینیت»<sup>۲</sup> و واقعیت، که نظریه‌های قبلی بر آن تأکید دارند، کاملاً متحول شده است. با شکل‌گیری دنیای مجازی بسیاری از واقعیت‌ها متفاوت با دوران قبل‌اند. در بسیاری از موارد، حقیقت را نمی‌توان به‌سادگی تشخیص داد و ماهیتی مجازی و سبیرنتیک دارد.

### ۲-۲-۳ افکار عمومی و اطلاعات

افکار عمومی در تمامی کشورهای دموکراتیک و شبه دموکراتیک عامل مهمی برای تأثیرگذاری در سیاست‌ها و اقدامات دولت به شمار می‌رود. در تمام طول قرن بیستم، بسیاری از

---

۱. به نظر می‌رسد نمونه این اقدام خطرناک را در حال حاضر ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در مورد مسائل قومی ایران در دست اجرا دارند.

دولت‌ها افکار عمومی مردم را از دانستن جزئیات امور مربوط به کشور محروم کرده بودند. سیاستمداران به بهانه تهدید امنیت ملی بی‌اطلاعی افکار عمومی را توجیه می‌کردند. آنان چنین می‌پنداشتند که می‌توانند «حقوق مردم برای اطلاع یافتن» را نادیده بگیرند. از طرف دیگر، به دلیل ماهیت به‌شدت امنیتی و نظامی جهان در بیشتر دوره‌های قرن گذشته، مردم نیز تا حدودی بی‌اطلاعی خود را به بهای حفظ امنیت پذیرفته بودند. در نتیجه، پنهانکاری سایه خود را به‌شدت در تمام عرصه‌های اقدامات دولت‌ها افکنده بود. البته همواره مخالفانی نیز وجود داشتند که با اشاره به حق مردم برای دانستن معتقد به شفاف‌سازی در برخی از فعالیت‌های دولت بودند.

این وضعیت با اتمام جنگ سرد و گسترش موج‌های دموکراتیزه کردن در نقاط مختلف جهان و کاهش غلظت امنیتی نظام بین‌المللی تغییر کرد. در حالی که جنگ سرد رو به اتمام بود، پدیده‌ای دور از انتظار ظاهر شد و آن مطالبه مردم از دولت برای پاسخگو بودن بود (Eisendrath, 1999, p. 164). مردم و سازمان‌های جامعه مدنی در کشورهای دموکراتیک با توجه به پایان جنگ سرد و از بین رفتن تهدید اصلی امنیتی در غرب خواهان شفافیت بیشتر دولت در تمامی امور مانند سیاست خارجی، امنیتی، و ... شدند. عرصه اطلاعات نیز یکی از مهم‌ترین ابعاد بود که فعالان شفاف‌سازی بر آن تأکید می‌کردند. مثلاً، در ایالات متحده در گزارش کمیسیون دوحزبی مونیهان<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۷ آمده است: اکنون زمان یافتن راهی جدید برای تفکر درباره پنهانکاری است (Ibid., p. 165).

تناسب نداشتن پنهانکاری سازمان‌های امنیتی با اصول دموکراتیک در کشورهای تازه دموکراتیک شده نیز از دیگر عوامل منجر به شفاف‌سازی در اطلاعات بود. افکار عمومی با هدایت جامعه مدنی و با آگاهی از حقوق خود از دولت می‌خواست که برای تحکیم دموکراسی و رعایت اصول آن شفافیت در امور امنیتی را تا جایی که به امنیت ملی لطمه واقعی نزند اجرا کنند. لو رفتن برخی از اقدامات سازمان‌های امنیتی علیه شهروندان خودی در کشورهای دموکراتیک و شبه دموکراتیک و بدنامی سازمان‌های اطلاعاتی نیز مهم‌ترین عامل تحریک افکار عمومی علیه اطلاعات بود.

مردم و فعالان سیاسی مدنی ادعا می‌کردند که روش‌های پنهانکاری موجب پاسخگو نبودن مسئولان اطلاعاتی به آنان شده است. آنان معتقد بودند که میراث به‌جامانده از پنهانکاری دوران جنگ سرد دیگر در دنیای امروز برای حفظ منافع مردم نیست. در دنیای اطلاعات و ارتباطات، آگاهی و دانستن بیش از پنهانکاری امنیت و منافع مردم را حفظ می‌کند، و بدین ترتیب، آنان را از انتخاب‌های غلط باز می‌دارد و در نتیجه به نفع آنان است. «سازمان‌های سری، بودجه‌های سری، ...» و نظام فعلی پنهانکاری چیزی بیش از بقایای قانونی به‌جامانده از دوران جنگ سرد هسته‌ای است و این واپس‌گرایی تاریخی را می‌توان با گذراندن قوانین خوب از بین برد» (Eisendrath, *ibid.*, p. 170).

لزوم نظارت بر فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی نیز از دیگر موضوعاتی است که در سال‌های پایانی قرن بیستم و به‌ویژه در دههٔ اخیر به‌شدت در افکار عمومی و مطبوعات مطرح شده است. تحت تأثیر این فشارها فعالیت این سازمان‌ها به‌شدت تحت نظارت پارلمان‌ها و نهادهای مدنی قرار گرفته است و لجام‌گسیختگی قبلی از میان رفته است. بنابراین شکل‌گیری افکار عمومی ناظر بر شفاف‌سازی اطلاعات تأثیرات زیر را در بر داشته است:

۱. کاهش عنصر پنهانکاری در اطلاعات،

۲. تطبیق هر چه بیشتر فعالیت‌های اطلاعاتی با اصول دموکراسی و لذا نظارت بیشتر بر آن. طرفداران نگرش تازه با اشاره به تلاش شرم‌کننده برای معرفی اطلاعات به منزله بخشی از علوم اجتماعی و کاربرد اصول رفتارگرایی در آن — با توجه به اینکه مهم‌ترین اصل علم بی‌تأثیر بودن ارزش‌ها در سیر تحقیق و نتیجه‌گیری علمی است — معتقدند نمی‌توان اطلاعات را بر اساس اصول علمی تحلیل کرد، زیرا تحلیل علمی متضمن بی‌طرفی است و اطلاعات ذاتاً بی‌طرف نیست و همواره در خدمت ارزش خاص (سیاست و قدرت) بوده و خواهد ماند و اصولاً اگر در خدمت سیاست نباشد بی‌معنی است و برای همین کار شکل گرفته است. همچنین بررسی نوشته‌ها و آثار نویسندگان معتقد به این نگرش حاکی است که بر اثر

پدیده جهانی شدن و عوامل فوق بازیگران عرصه نظام بین الملل افزایش یافته‌اند و دیگر منحصر به دولت‌ها نیستند. بنابراین، با توجه به اینکه هریک از بازیگران جدید در سطح فراملی و فراملی مانند شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های غیردولتی، بازیگران بدون حکومت، و ... ناگزیر از تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در تحولات بین‌المللی‌اند، دستیابی به اطلاعات و اخبار برای آنان نیز به نیازی ناگزیر شده است. مسئله «نیاز» موجب تلاش بازیگران جدید برای تولید اطلاعات خواهد شد. بنابراین، در دنیای جدید، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اطلاعات متکثرند و دولت تنها تولیدکننده اطلاعات نیست. در نتیجه، نیازها و منافع این بازیگران نیز در حوزه آثار و مآخذ اطلاعات وارد شده و تأثیرگذارند.

بنابراین، در نتیجه‌گیری از این بخش می‌توان گفت طرفداران نگرش دوم معتقدند:

۱. مفهوم اطلاعات صرفاً بر اساس دولت‌محوری تعریف نمی‌شود بلکه متغیرهای دیگری مانند شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی و حتی افراد نیز در آن نقش دارند.
۲. پنهانکاری عنصر ذاتی اطلاعات فرض نمی‌شود.
۳. تهدیدات امنیتی و اطلاعاتی بیش از آنکه واقعی و ملموس باشند، تحت تأثیر انقلاب ارتباطات، مجازی، و سبیرنتیک‌اند.
۴. در این نگرش بر لزوم نظارت بر اطلاعات با تطبیق آن با شرایط جامعه دموکراتیک تأکید می‌شود.

۵. این نگرش اصولاً اطلاعات را حاصل برداشت‌های خاص یک فرد، دولت، شرکت، یا سازمان از اخبار و داده‌ها می‌داند و بر آن است که در عین حال خبری که برای فرد ویژگی‌های اطلاعات را ندارد ممکن است برای یک شرکت کاملاً محرمانه و اطلاعات تلقی شود و این برداشت خاص از تهدید است که خبری را واجد شاخصه‌های اطلاعات می‌کند و به عبارت دیگر آن را دارای ماهیتی برخاسته می‌دانند.

در پایان باید اذعان کرد که هر دو نگرش به نوعی بخشی از واقعیت‌های «اطلاعات» را پوشش می‌دهند. اما شاید بتوان گفت، همان گونه که در رشته روابط بین‌الملل رهیافت

واقع‌گرایی به دلیل ملموس بودن آن قبول عام یافت، نگرش سنتی به اطلاعات نیز به دلیل انطباق با حقایق تاریخی اطلاعات و دارا بودن مثال‌های ملموس طرفداران زیادی دارد. این تحقیق بر آن نیست که نقاط ضعف و قوت این نگرش‌ها را ذکر کند، بلکه معتقد است که هر یک از آنها ما را در دستیابی به برداشتی صحیح از واقعیت‌های موجود یاری می‌کند. در این تحقیق مهم‌ترین پیش‌فرض این است که «اطلاعات» امری کاملاً دولت‌محور است<sup>۱</sup> و در آینده نیز چنین خواهد بود و مباحث دیگر در مورد آن فرعی و حاشیه‌ای‌اند، هرچند تأثیرات شگفتی را از خود بر جای گذاشته باشند. در اینجا سعی می‌شود با دیدگاهی که برآمده از هر دو نگرش فوق است با محوریت دیدگاه دولت‌محور به بررسی تحولات ایجادشده در ساختار جامعه اطلاعاتی پرداخته شود.

### ۳ نقش اطلاعات در نظام سیاسی

#### سیاست بدون اطلاعات لنگ است و اطلاعات بدون سیاست کور

«اطلاعات» بخشی از نظام سیاسی و سازمان اداری دولت است. بنابراین، کارکردها و مأموریت‌های آن کاملاً در خدمت دولت و نظام سیاسی حاکم خواهد بود. «اطلاعات» در عام‌ترین برداشت متغیری وابسته به سیاست (حکومت) است. سیاست اطلاعات را سازمان‌دهی، هدایت و، در صورت نیاز، تغییر می‌دهد.<sup>۲</sup> «اطلاعات» را سیاست به دلیل نیاز به نظارت مؤثرتر و جامع‌تر جامعه تحت نظرش ایجاد می‌کند. در طول تاریخ «اطلاعات» همواره زیر نظر سیاست بوده است و نخبگان اطلاعاتی در نقش خادمان سیاستمداران ظاهر شده‌اند. رابطه «اطلاعات» و سیاست را با مثال زیر تشریح می‌کنم.

۱. منظور از دولت‌محور بودن اطلاعات این است که «اطلاعات» همواره در خدمت منافع دولت بوده و خواهد بود. اصولاً می‌توان گفت که اطلاعات در تمام طول تاریخ بر اساس منفعت تعریف و توصیف شده است. البته، با توجه به برداشت‌های متفاوت دولت، فرد، و شرکت‌های تجاری از منفعت، تعریف اطلاعات نیز متفاوت بوده است.

۲. همان‌طور که شرم‌من کنت می‌گوید: اطلاعات هدفگذار، سیاستگذار، طراح، یا مجری عملیات نیست، بلکه اطلاعات کارکردی خدماتی برای سیاست دارد. برای اطلاعات بیشتر درباره رابطه میان سیاست و اطلاعات نک. Shukman, *ibid.*, pp. 95-179.

سیاستمدار به دنبال تصمیم‌گیری در مورد امکان تشکیل اتحاد با یکی از دولت‌های همسایه علیه همسایه دیگر است. پیشنهاد این اتحاد منوط به این است که سیاستمدار از برداشت دولت همسایه مورد نظر نسبت به دشمن و روابط آنها با یکدیگر کاملاً مطلع باشد. اگر دولت مورد نظر برای تشکیل اتحاد دشمن ما را دوست خود تلقی کند، طرح اتحاد کاملاً احتمالاً است. سیاستمدار چگونه از این موارد مطلع می‌شود؟

آیا در دنیای منافع ملی کشورها روابط خود را تا آن اندازه واضح طراحی می‌کنند که سیاستمدار ما بتواند به راحتی آن را تحلیل کند؟ اگر سیاستمدار طرح اتحاد خود را مطرح کند و کشور مقابل با توجه به اتحاد قبلی با همسایه دیگر صرفاً در ظاهر اتحاد را قبول کند و سیاستمدار ما با این پشتوانه با همسایه دشمن خود، به جای روش‌های دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز، با روش‌های زورمدارانه برخورد کند و کار به جنگ بکشد و سیاستمدار کشورش را در وضعیتی وحشتناک تنها ببیند، چه بر سر منافع ملی و کشور خواهد آمد؟

اینجاست که «اطلاعات» به کمک سیاستمدار می‌آید. «اطلاعات» با توانمندی‌های ویژه خود از نیات و روابط همسایگان با یکدیگر مطلع می‌شود و آن را در اختیار سیاستمدار قرار می‌دهد و او را از کابوس اشتباهی مهلک نجات می‌دهد.

به طور کلی، سیاست به مثابه بستری است که اطلاعات در آن قرار دارد و در آن متن عمل می‌کند. اطلاعات به خودی خود موجودیت ندارد و به صورت بخشی از نظام سیاسی عمل می‌کند. اطلاعات پدیده‌ای وابسته است. اطلاعات در عمل شریک کوچک سیاست است (Donovan, 1986, p. 64). به بیان والتر لاکوئر، «اطلاعات پیش‌نیازی برای سیاستگذاری مؤثر است اما هیچ‌گاه جایگزینی برای آن نیست. در صورت نبود سیاستگذاری مؤثر، بهترین اطلاعات هم به هیچ دردی نمی‌خورد» (Laqueur, 1986, p. 57).

البته باید توجه داشت که اطلاعات نباید تحت تأثیر تمایلات سیاسی گروه‌ها و احزاب سیاسی کشور، منافع درون‌سازمانی و برون‌سازمانی و منافع شخصی سیاستمداران قرار گیرد. فعالیت اطلاعاتی باید فارغ از تمایلات سیاسی انجام شود و صرفاً بهره‌برداری از نتایج به دست آمده در اختیار سیاستمداران است. اصولاً سازمان‌های اطلاعاتی باید

در خدمت منافع ملی و جدا از منافع سیاسی گروهی و شخصی باشند (Uri-Bar, p. 3). بدین ترتیب مشخص است که کارکردهای «اطلاعات» که به ماهیت حرفه‌ای آن بر می‌گردد، باید بدون توجه به گرایش‌های سیاسی انجام شود. به عبارت دیگر، «اطلاعات» صرف نظر از اینکه چه نوع نظام سیاسی بر کشور حاکم باشد، این کارکردها را خواهد داشت. البته ویژگی‌های نظام سیاسی تأثیرات فراوانی در «اطلاعات» دارد. اما جایگاه تأثیر این ویژگی‌ها، «مأموریت‌های اطلاعات»<sup>۱</sup> است. اصولاً کارکرد سازمان‌های اطلاعاتی کاملاً به دور از ارزش‌های سیاسی است و اخلاق حرفه‌ای خاص بر آن حاکم است. نظام اطلاعاتی چه در زمان حاکمیت یک نظام سیاسی ایدئولوژیک و چه در زمان حاکمیت نظام سیاسی سکولار کارکردهای یکسانی دارد و نوع نظام سیاسی تغییری در «نقش اطلاعات» ایجاد نمی‌کند.

می‌گویند سیر اجرای کارکرد اطلاعات همانند روش تحقیق علمی کاملاً به دور از ارزش است. همان‌طور که تأثیر ارزش‌ها در تحقیق صرفاً در مرحله استفاده از نتایج تحقیق است، ارزش‌ها و تمایلات سیاسی نیز فقط در مأموریت‌های محوله در اطلاعات تأثیر می‌گذارند. بنابراین، به این نتیجه می‌رسیم که کارکردها و مأموریت‌های اطلاعات متفاوت با یکدیگرند. کارکردها موضوعاتی مربوط به ماهیت اطلاعات است و مأموریت‌ها تحت تأثیر عواملی خارج از ماهیت اطلاعات‌اند.

۳-۱ کارکردهای اطلاعات  
اصولاً اطلاعات چهار کارکرد<sup>۲</sup> عمده دارد که در تمامی آثار منتشر شده در این مورد کم‌وبیش به هر چهار نقش آن اشاره شده است (برای اطلاعات بیشتر نک. Shulsky, *ibid.*, p. 25). این نقش‌ها عبارت‌اند از؛ جمع‌آوری، تحلیل، اقدام پنهان، و ضد اطلاعات.

---

1. intelligence missions  
2. function

### ۳-۱-۱ جمع‌آوری

جمع‌آوری به‌عنوان یکی از کارکردهای اطلاعات عبارت است از گردآوری اخبار و اطلاعات درباره کشورهای خارجی، افراد، مکان‌ها، تحولات، و اقداماتی که به نحوی در طراحی، اجرا، و تصمیم‌گیری به سیاستمداران و دولت کمک خواهد کرد. البته باید توجه داشت که منشأ این اطلاعات منابع آشکار و دیپلماتیک نیست و صرفاً جمع‌آوری اطلاعات پنهانی مورد نظر است. هرچند در عمل اطلاعات آشکار نیز برای تطبیق نتایج عملیات پنهان با اخبار آشکار موجود جمع‌آوری می‌شود.

جمع‌آوری اطلاعات باید منطبق بر نیازهای سیاستمداران و تصمیم‌گیران باشد. گردآوری اطلاعاتی که به تصمیم‌گیری و سیاست‌سازی کمک نکند، تنها هدر دادن امکانات و منابع است.

دقیقاً در چنین وضعیتی است که تعبیر کور بودن اطلاعات بدون سیاست معنی‌دار می‌شود. اگر سیاست به اطلاعات نگویید چه می‌خواهد و به چه نیاز دارد، اطلاعات سردرگم خواهد شد و نمی‌تواند به‌درستی از توانمندی‌هایش استفاده کند. نکته آخر اینکه، اقدام اطلاعاتی برای جمع‌آوری باید با سیاست خارجی دولت هماهنگ باشد. جمع‌آوری اطلاعات از متحدین، در صورت افشا، هزینه‌های سیاسی زیادی خواهد داشت. لذا هماهنگی با سیاست خارجی ضروری است.

### ۳-۱-۲ تحلیل اطلاعات

اطلاعات جمع‌آوری شده در سازمان اطلاعاتی در اختیار تحلیلگران قرار می‌گیرد و تحلیلگران علاوه بر مقایسه آنها با اطلاعات آشکار و تحلیل این اطلاعات، محصولات خود را منطبق بر تمامی اطلاعات پنهان و آشکار در اختیار مشتریان سازمان اطلاعاتی (سیاستمداران و تصمیم‌گیران ملی) می‌دهند. با توجه به اینکه محصولات ایجادشده مبتنی بر منابع پنهانی است معمولاً دارای طبقه‌بندی است و دسترسی به آنها محدود خواهد بود.



### ۳-۱-۳ اقدام پنهان

اقدام پنهان (که با جمع آوری پنهانی اطلاعات تفاوت دارد) یکی از کارکردهای ویژه اطلاعات است. هدف این کارکرد تأثیرگذاری در وضعیت سیاسی، اقتصادی، و نظامی در خارج از کشور تحت حاکمیت دولت است، به نحوی که نقش دولت متبوع سازمان اطلاعاتی در این امر آشکار نشود یا هیچ سندی برای اثبات آن وجود نداشته باشد (Godson, May, & Schmitt, *ibid.*, p. 237). این اقدامات تبلیغات، حمایت از گروه‌های سیاسی خاص در کشور مورد نظر، ارسال کمک‌های مالی و نظامی به حکومت‌های مورد نظر برای مقابله با مشکلات خود، اقدام به براندازی حکومتی که علیه منافع دولت متبوع سازمان اطلاعاتی عمل می‌کند، و اجرای عملیات‌هایی برای مقابله با تهدیداتی مانند تروریسم و مواد مخدر در خارج از کشور را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

اقدام پنهان معمولاً به موازات برخی از اقدامات آشکار مانند تحریم سیاسی، اقدامات دیپلماتیک، و غیره انجام می‌شود. همچنین، بسیاری از نویسندگان معتقدند که اقدام پنهان باید پشتوانه‌ای برای سیاست خارجی و در راستای اهداف آن باشد (Shulsky, *ibid.*, p. 167).

### ۳-۱-۴ ضد اطلاعات

منظور از ضد اطلاعات حفاظت از کشور و سازمان‌های اطلاعاتی آن در مقابل اقدامات سازمان‌های اطلاعاتی دشمن است. از جرج واشینگتن نقل شده است: تنها یک شیطان وجود دارد که از آن می‌ترسم و آن جاسوسان دشمن است ... و فکر می‌کنم که مهم‌ترین کار تلاش برای شناسایی آنان و جلوگیری از فعالیت آنان است (Breckinridge, 1986, p. 182).

۱. نمونه‌هایی از این نقش را می‌توان در اقدامات سازمان اطلاعاتی آمریکا مشاهده کرد. اقدام به براندازی حکومت دکتر مصدق در ایران، کودتای سال ۱۹۵۴ در گوآتمالا، تلاش برای سرنگونی سالواتور آلنده در شیلی، و اخیراً نیز حمایت از گروه‌های مدنی در کشورهای آسیای میانه و قفقاز و انقلاب‌های مخملین، حمایت از دولت مصر در برابر مخالفان داخلی و تبلیغات و اطلاع‌رسانی غلط به افکار عمومی جهانیان در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران. برای مطالعه بیشتر نک. داوید آنتونل، آلن ژوبر و لوسین کووالسون، *توطئه‌های سیا*، ترجمه حمید رواسانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.

هدف فعالیت ضد اطلاعات کشف عملیات‌های سازمان‌های اطلاعاتی دشمن و جلوگیری و خنثی کردن آنهاست (Ibid., p. 183).

البته باید خاطر نشان کرد که کارکرد ضد اطلاعات صرفاً محدود به کشف جاسوسان دشمن نیست و در تمام مراحل فعالیت‌های اطلاعاتی مانند جمع‌آوری و تحلیل و اقدام پنهان مورد توجه قرار می‌گیرد تا احتمال فریب بودن اطلاعات جمع‌آوری‌شده و اشتباه بودن یا سوگیری داشتن تحلیل‌ها را بررسی کند.

در پایان باید اشاره کرد که کارکرد ضد اطلاعات بیانگر این واقعیت است که همان‌گونه که یک کشور به دنبال کسب اطلاع از کشورهای دیگر است، کشورهای دیگر نیز درصددند درباره آن کشور اطلاع کسب کنند.

### ۲-۳ مأموریت‌های اطلاعات

مأموریت‌های اطلاعات اولویت‌ها و دستور کاری است که سیاست (حکومت) برای «اطلاعات» تعیین می‌کند. بنابراین، هر سیاستی مأموریت‌های خاص و مورد نظر خود را برای «اطلاعات» تعیین می‌کند. از اینجاست که با تغییر سیاست امکان تغییر مأموریت‌های «اطلاعات» نیز وجود خواهد داشت.

مثلاً یکی از مأموریت‌های اطلاعاتی سازمان‌های اطلاعاتی کره جنوبی در اوضاع سیاسی فعلی حاکم بر شبه جزیره کره تلاش برای براندازی دولت کره شمالی است. حال اگر تصور کنیم که دو کره متحد شوند، آنگاه دیگر مأموریت براندازی کره شمالی برای سازمان اطلاعاتی کره معنی نخواهد داشت و احتمالاً بر اساس اوضاع سیاسی آن زمان و تهدیدات موجود مأموریت دیگری به آن واگذار می‌شود.

مثالی دیگر، مأموریت ساواک برای مقابله با اسلام‌گرایان در ایران قبل از انقلاب است. در زمان حکومت پهلوی به دلیل سیاست حاکم بر دولت یکی از مأموریت‌های سازمان اطلاعاتی مقابله با تهدید اسلام‌گرایان علیه حکومت بود. اما پس از انقلاب به علت تغییر سیاست این مأموریت از اولویت‌های سازمان اطلاعاتی کنار رفت.

البته، علاوه بر تغییرات سیاست داخلی کشورها، تحولات بین‌المللی نیز امکان دارد در تغییر مأموریت‌های سازمان اطلاعاتی مؤثر باشد. مثلاً می‌توان به اقدامات امریکا در اکران اشاره کرد. به نظر می‌رسد که یکی از مأموریت‌های سازمان‌های اطلاعاتی امریکا در اکران، قبل از انقلاب مخملین، تلاش برای سرنگونی حکومت طرفدار روسیه آن کشور بوده است. اما بعد از روی کار آمدن دولتی طرفدار امریکا در اکران مسلماً این مأموریت بی‌معنی شده است. البته جمع‌آوری اطلاعات از اکران همچنان ادامه خواهد داشت اما مأموریت سیاستمداران امریکا برای سازمان‌های اطلاعاتی درباره اکران تفاوت خواهد کرد.

برخی از تحولات بین‌المللی مانند قدرت گرفتن سازمان‌های غیردولتی، رشد تروریسم سازمان‌یافته، انقلاب ارتباطات، و غیره نیز مأموریت‌های اطلاعات را تغییر داده‌اند. بنابراین، مأموریت‌های اطلاعات در هر وضعیتی وابسته به سیاست و تغییرات آن در سطح داخلی و بین‌المللی است، و توصیف آنها نیز باید بر این اساس انجام شود. به نظر می‌رسد که مأموریت‌های «اطلاعات» در قرن بیست و یکم و با توجه به تحولات بین‌المللی و سیاست حکومت‌ها شامل موارد ذیل شد:

۱. حمایت و پشتیبانی از دیپلماسی کشور،
۲. حمایت و پشتیبانی از عملیات‌های نظامی و استراتژی دفاعی کشور،
۳. مقابله با تهدیدات بین‌المللی که منافع کشور را به مخاطره می‌اندازد، این تهدیدات شامل موارد زیر است:

- مبارزه با تروریسم بین‌المللی،
  - مبارزه با گروه‌های بین‌المللی مواد مخدر،
  - مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی،
  - مبارزه با تهدیدات زیست‌محیطی بین‌المللی که منافع کشور را تهدید می‌کند.
۴. پشتیبانی از سازمان‌های انتظامی و قضایی کشور،

۵. پشتیبانی از اقتصاد کشور با جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی و تلاش برای تأمین امنیت به منزله مهم‌ترین زیرساخت توسعه اقتصادی،
۶. جنگ اطلاعاتی و ارتباطی.

### نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه «اطلاعات» متغیری وابسته به سیاست و مدیریت کلان هر کشور است، بنابراین، مأموریت‌های آن در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه متفاوت است. احتمالاً در یک کشور توسعه‌یافته مأموریت مبارزه با تهدیدات بین‌المللی از اهمیت فراوانی برخوردار باشد (مانند ایالات متحده آمریکا و اروپا)، اما در کشورهای کمتر توسعه‌یافته مأموریت‌های دیگر که بیشتر در راستای استراتژی توسعه کشورند دارای اهمیت خواهند بود. اصولاً آن دسته از مأموریت‌های اطلاعات که جنبه تهاجمی دارد، اغلب بسیار پرهزینه است (مانند مبارزه با تروریسم) و از این لحاظ کشورهای توسعه‌نیافته به آنها نمی‌پردازند، زیرا توان لازم برای این کار را ندارند.

این مقاله را که هدف آن پرداختن به نقش اطلاعات در نظام سیاسی کشورها بود، با ذکر نقل قولی از یک افسر اطلاعاتی سابق شوروی در اهمیت سازمان‌های اطلاعاتی در کشورداری به پایان می‌بریم: «احتمالاً بدون سازمان‌های اطلاعاتی ما می‌توانیم در ظاهر امور کشور را اداره کنیم، همان‌طور که یک انسان هم بدون چشم یا یک گوش یا یک پا می‌تواند زندگی کند، اما کشور پیشرفته نمی‌تواند بدون سازمان اطلاعاتی نظامی کاملاً فعال باشد» (Roslyskaya, June 1992).

## منابع و مأخذ

بوزمان، آدا. ب (۱۳۸۲)، *اطلاعات استراتژیک و کشورداری*، ترجمه و انتشار پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳)، *جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین* (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، ج ۱، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

دعموش عاملی، علی (۱۳۷۹)، *دایرةالمعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی*، ترجمه غلامحسین باقری مهبیاری و رضا گرمابدری، ج ۳، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای*، مترجم ارشد علی پایا، تهران، چ ۲، طرح نو.

نظام‌الملک، حسن بن علی (۱۳۷۶)، *گزیده سیاست‌نامه*، به کوشش جعفر شعار، تهران، قطره.

هوور، ریچاردز جی (۱۳۸۰)، *روانشناسی تحلیل اطلاعات*، ترجمه جواد علاقبندی‌راد، تهران مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

Alexander Yonah, and Michal S. Swetnam (2001), *Cyber Terrorism and Information Warfare: Threats and Responses*, New York, Transnational Publishers.

Berkowitz, Bruce D. and Allan E. Goodman (1989), *Strategic Intelligence for American National Security*, Princeton, Princeton University Press.

Berkowitz, Bruce D. and Allan E. Goodman (2000), *Best Truth: Intelligence in the Information Age*, New Haven, Yale University Press.

Bligh, James G. and David Welch (1998), "The Cuban Missile Crises and Intelligence Performance," *Intelligence and National Security*, Vol. 13, No. 3.

Boni, William C. and Gerald L. Kovacich (2000), *Net Spionage: the Global Threat to Information*.

Breckinridge, Scott D. (1986), *The C.I.A. and U. S. Intelligence System*, Boulder, West View Press.

Brown, A. (1993), *Ethnic Conflict and International Security*, Princeton, Princeton University Press.

Donovan (1986), "Intelligence Rams and Policy Lions, CIA," *Studies in Intelligence*, quoted in Giliam de Valk, *op. cit.*

- Eisendrath, Craig (1999), *National Insecurity: U. S. Intelligence after Cold War*, Washington, Temple University Press.
- Fuller, J.F.C. (1995), *A Military History of Western World*, Vol. 1, New York, Funk & Wagnell.
- Gazete, Rosslyskaya (June 1992), quoted in David G. Major, *op. cit.*
- Godson, Roy, Ernest R. May, and Gary Schmitt (1995), *U.S. Intelligence at the Crossroads: Agenda for Reform*, Washington, Brassey.
- Goodman, Allan E., and Bruce D. Berkowitz (1994), "Intelligence Without the Cold War," *Intelligence and National Security*, Vol. 9, No. 2.
- <http://www.odci.gov/csi/studies/vol 46 no 3/article 02.html>.
- <http://www.intbranch.org/eng/intntbk/int01.html>.
- Knightley, Philip (1987), *The Second Oldest Profession*, London, Penguin Books.
- Koote, Udo Ulf (1997), *Verschlussache BND*, Munchen, Koehler & Amelang.
- Laqueur, Walter (1991), *A World of Secrets: the Uses and Limits of Intelligence*, Basic books.
- \_\_\_\_\_ (1986), "The Future of Intelligence," CIA, *Studies in Intelligence*, quoted in Giliam de Valk, *op. cit.*
- Major, David G. (2000), *Espionage into the 21<sup>st</sup> Century*, Intel.
- Porteus, Samuel (1994), "Economic Espionage", *Intelligence and National Security*, Vol. 9, No. 4.
- Random, H. A. (1958), "Intelligence as a Science", *Studies in Intelligence*.
- Shukman, Harold (2000), *Agents for Change: Intelligence Services in 21<sup>st</sup> Century*, London, St. Ermins Press.
- Shulsky, Abram (1991), *Silent Warfare: Understanding the World of Intelligence*, Washington D.C., Brassey's .
- The New English Bible (1970), London, Oxford University Press and Cambridge University Press.
- Uri-Bar, Joseph, *Intelligence Intervention in the Politics of Democratic States*.